اغذیه فروشان

سید جعفر ربانی

پژوهشکده
امر به معروف
و نهی از منکر







بسم الله الرحمن الرحیم

احکام اغذیه فروشان

نویسنده:

جعفر ربانی

ناشر چاپی:

معروف

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

احکام اغذیه فروشان

مشخصات کتاب

سرشناسه : ربانی، سیدجعفر، ۱۳۵۲-

عنوان و نام پدیدآور : اغذیه فروشان

مشخصات نشر : قم: نشر معروف،۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری : ۱۲۰ص.؛۱۹×۹/۵س م.

فروست : فقه و زندگی؛ ۳۴.

شابک : ۴۰۰۰۰ریال:۹۷۸۶۰۰۶۶۱۲۳۳۱

وضعیت فهرست نویسی : فیپای مختصر

یادداشت : فهرستنویسی کامل این اثر در نشانی: http://opac.nlai.ir قابل دسترسی است

شماره کتابشناسی ملی : ۳۷۸۶۸۸۱

به سفارش: ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر و پژوهشکده امر به معروف و نهی از منکر

ص: ۱

اشاره

فهرست مطالب

بخش سوم: فروش

بخش چهارم: مشتریان

ص: ۷

ص: ۸

سخن پژوهشکده

فقه و زندگی و سبک زندگی اسلامی اسلامی شدن زندگی اجتماعی سه گام دارد:

۱. شناخت معروف و منکر در فعالیت های فردی و روابط انسان و خداوند عزوجل

۲. شناخت معروف و منکر در حوزه روابط اجتماعی ومعاملات اقتصادی

۳. شناخت معروف و منکر در روابط دولت و ملت

در گام اول فعالیت های فقهی، اخلاقی پژوهش های خلاق مدار فراوانی توسط عالمان و محققان پدید آمده و صلاح و تقویت روابط عبادی، عقیدتی و معرفتی انسان با

ص: ۱۱

خداوند متعال را مورد توجه قرار داده است.

گام دوم یعنی شناخت معروف و منکر در روابط اجتماعی و معاملات اقتصادی، کاری است که با وجود برخی از آثار علمی و پژوهشهای ارزشمند با نگاه تخصصی به هر صنف مورد توجه قرار نگرفته است. سلسله کتابهای فقه و زندگی به پژوهش و نگارش در حوزه اصناف خاص توجه دارد و بایدها و نبایدهای فقهی و اخلاقی و آداب اسلامی هراتحادیه صنفی و دست اندرکاران مشاغل مختلف تولیدی، توزیعی، و خدماتی را محور پژوهش و نگارش و اطلاع رسانی خویش می داند.

گام سوم در شناخت معروف و منکر به روابط مردم و حکومت ها اختصاص دارد، اسلامی شدن روابط دولت و ملت بالاترین گام به سوی رضای خداوند متعال محسوب می شود و در سایه ی پیروی از رهبری الهی و تسلیم دولت و ملت در برابر قوانین قرآن و عترت امکان پذیر است.

در حدود سالهای ۱۳۷۲ ش با آغاز فعالیت های ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر طرح پژوهشی افقه و زندگی» توسط جناب حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمد حسین فلاح زاده، در پژوهشکده باقرالعلوم (علیه السّلام) قم، پی ریزی شد. هدف طرح، تالیف و تدوین مجموعه کتابهایی در زمینه آداب و احکام اسلامی برای اصناف

ص: ۱۲

و مشاغل گوناگون اقتصادی و بازاریان کشور بود. با هماهنگی این دو نهاد فرهنگی تألیف حـدود بیست جلـد از این مجموعه در سالهای آغاز کمک خوبی به بازاریان متـدین در زمینه شـناخت احکام شـرعی و حلال و حرام مشاغل بشـمار می رفت. اما مثل بسیاری دیگر از طرح ها این کار هم بخاطر مشکلاتی که پیش آمد، ناتمام ماند و در زمینهی احکام فقهی بسیاری اصناف اثری فراهم نیامد.

ضرورت اسـلامی شدن بازار، علاقه ی بسیاری از کسبه ی محترم در بخش های تولید و توزیع و خدمات و پیگیری دبیر محترم ستاد احیاء حجه الاسلام والمسلمین زرگر دام عزه العالی سبب احیای مجدد این طرح پژوهشی کاربردی در سال ۱۳۹۳ ش شد و تالیف و تدوین کتبی دیگر در زمینه فقه اصناف در دستور کار پژوهشکده امربه معروف و نهی از منکر قرار گرفت.

در سالهای آغازین، این پژوهش ها با هدایت و حمایت ستاد و نظارت علمی و فقهی برادران گرامی حجج اسلام محمد حسین فلاح زاده و محمود مهـدی پور شـکل گرفت و بیست و چند دفتر از آن فراهم آمد. اینک باردیگرپس از حدود چهارده سال، این کار ناتمام و بر زمین مانده به توفیق الهی و باری همان دو برادر و همکاری گروهی

از فضلای حوزه علمیه قم در پژوهشکده امربه معروف پیگیری می شود.

همیشه اصناف محترم و صاحبان مشاغل در انجام وظیفه خود نیاز به احکام و قوانین الهی دارند و لازم است معروف و منکرات صنفی را بشناسند. تحولات صنفی و دگرگونی ها در حوزه کسب و کار سبب می شود که احکام بر اساس نیازهای روز مورد بازنگری فقهی و علمی قرار گیرد وتفقه واجتهاد جدید ضرورت یابد. از این رو بار دیگر با استفاده از فتاوی مراجع بزرگوار تقلید و قوانین مصوب شورای نگهبان موضوعات کار نشده در برنامه پژوهشی قرار گرفت و بیست اثر جدید تحقیق و تولید شد. عناوین پژوهش های سال ۱۳۹۳ ش بدین شرح است:

۱. احکام صنف طلا و جواهر

۲. احکام تلفن همراه

۳. احکام بازی های رایانه ای

۴. احکام صئف اتوبوس رانی

۵.احکام صنف فرش و تابلو فرش

۶. احکام صنف کیف و کفش (سراجان)

۷. احکام صنف ماهی فروشان

۸. احکام صنف ناشران

۹. احکام صنف پوشاک

۱۰. احکام صنف نانوایان

۱۱. احکام صنف اینترنت و رایانه

۱۲. احکام صنف پرندگان و پرنده فروشان

۱۳. احکام صنف اغذیه فروشان

۱۴. احکام صنف پارکها

۱۵. احکام عمومی کسب و کار

۱۶. احکام صنف قهوه خانه ها

۱۷. احکام صنف الکتریکی

۱۸. احکام صنف داروخانه ها

۱۹. احکام صنف صوتی و تصویری

۲۰. احکام بیمه ها

این دفترازفقه و زندگی که با تلاش برادر گرامی حجت الاسلام جناب حاج سید جعفرربانی پدید آمده به احکام اغذیه فروشان اختصاص یافته است و امیدواریم محققان و بازاریان محترم با ارائه تجارب و مسائل شرعی خویش ما را در تکمیل این اثر یاری کنند.

با درخواست توفیق از خداوند دانا و تواناویاری محققان حوزوی و همراهی اصناف کشور، بسیج اصناف ومسؤولان ستادهای امربه معروف، می توان به سوی اسلامی شدن بازار، آرامش روانی جامعه، کاهش جرم و تخلفات اقتصادی و کسب رضای حضرت حق گامهایی

ص: ۱۵

بلندتر برداشت.

امیدواریم با شناخت احکام الهی در تمام بخش ها و اجرای آن در زندگی فردی و اجتماعی و در سایه فقه ناب اسلامی و با هدایت حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف ، توحید و عدالت در سراسر حاکم گردد. ان شاء الله.

قم پژوهشکده امر به معروف و نهی از منکر

خیابان سمیه کوچه ۱۲ پلاک ۳۵۵

Al-adl.ir info@al-adi.ir

مقدّمه مؤلف

خداونـد متعال می فرماید: «یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا کُلُوا مِنْ طَیِّباتِ ما رَزَقْناکُمْ وَ اشْـکُرُوا لِلّهِ إِنْ کُنْتُمْ إِیّاهُ تَعْبُدُونَ» (۱)؛ «ای کسانی که ایمـان آورده ایـد! از نعمت هـای پاکیزه ای که به شـما روزی داده ایم، بخوریـد و شـکر خـدا را به جای آوریـد؛ اگر او را پرستش می کنید.»

و فرمود: «یا بَنی آدَمَ خُذُوا زینَتَکُمْ عِنْدَ کُلِّ مَسْجِدٍ وَ کُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لا یُحِبُّ الْمُسْرِفینَ»(۲)؛ «ای فرزندان

۱- بقره/ ۱۷۲.

۲- اعراف/ ۳۱.

آدم! زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد با خود بردارید! و (از نعمت های الهی) بخورید و بیاشامید؛ ولی اسراف نکنید، که خداوند مسرفان را دوست نمی دارد.»

برخورداری از نعمت هـای خداونـدی و خـوردنی هـای لذیـذ، به خصوص برای مؤمنـان، مورد تأکیـد قرآن مجیـد و روایـات معصومین(علیهم السلام) قرار گرفته است.

خداوند می فرماید: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زینَهَ اللَّهِ الَّتی أَخْرَجَ لِعِبادِهِ وَ الطَّیِّباتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِیَ لِلَّذینَ آمَنُوا فِی الْحَیاهِ الدُّنْیا خالِصَهً یَوْمَ الْقِیامَهِ کَذلِکَ نُفَصِّلُ الْآیاتِ لِقَوْمٍ یَعْلَمُونَ»(۱)؛ «(ای پیامبر!) بگو: چه کسی زینت های الهی را که برای بندگان خود آفریده، و روزی های پاکیزه را حرام کرده است؟! بگو: اینها در زنـدگی دنیا، برای کسانی است که ایمان آورده اند؛ (اگرچه دیگران نیز بـا آنهـا مشـارکت دارنـد؛ ولی) در قیـامت، خالص (برای مؤمنان) خواهـد بود. این گونه آیات (خود) را برای کسانی که آگاه اند، شرح می دهیم!»(۲). بر گرفته از ترجمه آیت الله مکارم.

خداوند از جناب مریم(سلام الله علیها) در محراب عبادت با «خوراکی های بهشتی» پذیرایی نموده «اغذیه بهشتی» را برای او از آسمان ارسال می فرماید:

۱- همان/ ۳۲.

۲- بر گرفته از ترجمه آیت الله مکارم.

«كُلَّما دَخَلَ عَلَيْها زَكَرِيَّا الْمِحْرابَ وَجَدَ عِنْدَها رِزْقاً قالَ يا مَرْيَمُ أَنَّى لَكِ هذا قالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشاءُ بِغَيْرِ حِسابٍ»(1)؛ «هر زمان زكريا(عليه السلام) وارد محراب (مريم) مى شد، غذاى مخصوصى در آنجا مى ديد. از او پرسيد: اى مريم! اين را از كجا آورده اى؟! مريم گفت: اين از سوى خداست؛ خداوند به هر كس بخواهد، بى حساب روزى مى دهد.»

«غذا» جزء لاينفك زندگى بشر و عنصر حيات مادى او را تشكيل مى دهد؛ ولى در آيات و روايات براى آن احكامى بيان شده است كه فقهاى بزرگوار در رساله هاى عمليه خود آنها را ذكر كرده اند و حتى اهميت اين احكام تا بدان حد است كه بخشى از فقه را به «كتاب الاطعمه و الاشربه» اختصاص داده اند.

بر اين اساس لازم است «احكام صنف اغذيه فروشان» را به شاغلين در اين صنف ارائه نماييم، البته مخاطب ما در اين مجموعه عبارت است از:

* توليدكنندگان مواد غذايى؛

* اغذيه فروشان؛

* مشتريان و مصرف كنندگان؛

* آشپزها؛

ص: 19

1- آل عمران/ 37.

* تمام کسانی که به نوعی با مواد غذایی سر و کار دارند، مانند پخش کنندگان و....

بخش اول :احکام مواد غذایی

اشاره

شروع کار تولیدکنندگان در هر صنفی، با جمع آوری «مواد اولیه» است، پس نکاتی را در این زمینه اشاره می کنیم:

۱. اصل حلّیّت

اصل اولی در تمام مواد غذایی «حِلّیّت» و مجاز بودن آن است. تمام فقها بر اینکه «تا یقین به حرام بودن چیزی حاصل نشود، آن شیء حلال خواهد بود» اتفاق نظر دارند. این قانون برگرفته از روایات معصومین(علیهم السلام) است، از جمله:

امام صادق(علیه السلام) فرمودند: «کُلُّ شَیْ ءٍ هُوَ لَکَ حَلَالٌ حَتَّی تَعْلَمَ أَنَّهُ حَرَامٌ بِعَیْنِهِ فَتَدَعَهُ مِنْ قِبَلِ نَفْسِك؛(۱)«هر چیزی برای تو حلال است، مگر آنکه یقین به حرمتش پیدا کنی، که در این صورت باید آن را ترک نمایی.»

۱- کافی، ج ۵، ص ۳۱۳.

بنابراین، قانون و اصل اولی در مواد غذایی، حلال بودن آنهاست و موارد حرمت که در کتب فقهی و نیز در این مجموعه بدان اشاره می گردد، استثنائات و تبصره ها بر این قانون کلی محسوب می شوند.

قاعده «کلّ شیء لک حلال، حتّی تعلم انّه حرام» که از آن به اختصار به «اصل حِلّیّت» تعبیر می گردد، از قوانین مسلم فقهی به شمار می رود که برخی از فقها پیرامون آن رساله ای مستقل نگاشته اند.

۲. مواد غذایی داخلی و خارجی

برخی از مواد غذایی از مملکت کُفّار(۱). وارد می گردند. یکی از سؤالاتی که به طور طبیعی مطرح می شود این است که: آیا استفاده از مواد غذایی وارده از کشورهای کُفر جایز است یا خیر؟

پاسخ: بین مواد داخلی و خارجی فرقی نیست و استفاده از تمام آنها شرعاً جایز است، به سه شرط:

الف) چیز نجس در آنها وجود نداشته و نیز به نجس برخورد نکرده باشد؛

ب) آن مواد غذایی از اعضای بدن حیوانات نباشد؛

ج) در استفاده از آن مواد غذایی، مجتهد جامع

۱- مقصود این است که مردم آن سرزمین کافر هستند، اعم از اینکه دولت آنها هم کافر باشد یا نه.

الشرایط «حکم به منع» نداده باشد. اعم از اینکه ممنوعیت آن به دلیل جلوگیری از تقویت دولت کفر باشد و یا هر مفسده دیگر. در مورد هر یک از این سه موضوع به طور مفصل بحث خواهیم کرد.

بنابراین، استفاده از خوراکی های محصول خارج نیز با همان سه شرط اشکال ندارد، مانند آدامس، شکلات، سبزیجات، حبوبات، میوه جات، نان، لبنیات با تمام مشتقاتش و....

۳. نجس شدن مواد غذایی

اشاره

اصولاً خوردن و خوراندن چیز نجس، و هم چنین غذایی که به وسیله یکی از نجاسات، متنجس شده باشد، حرام است.(۱)

مرحوم شیخ حُرّ عاملی (م ۱۱۰۴ق) در کتاب ارزشمند «وسائل الشیعه» بابی را تحت عنوان: «بَابُ تَحْرِيمِ أَكْلِ النَّجِسِ وَ شُرْبِهِ» منعقد نموده و این حدیث را آورده است:

امام صادق(علیه السلام) در مورد خرید و فروش چیزهای حرام فرمود: «وَ أَمَّا وُجُوهُ الْحَرَام مِنَ الْبَيْع وَ الشِّرَاءِ إِلَى أَنْ قَالَ وَ الْبَيْعُ لِلْمَيْتَهِ أَوِ الدَّم أَوْ لَحْم الْخِنْزِيرِ أَوِ الْخَمْرِ أَوْ شَيْ ءٍ مِنْ وُجُوهِ النَّجِسِ فَهَذَا كُلُّهُ حَرَامٌ وَ مُحَرَّمٌ لِأَنَّ ذَلِكَ كُلَّهُ مَنْهِيٌّ عَنْ أَكْلِهِ وَ شُرْبِهِ وَ لُبْسِهِ وَ مِلْكِهِ وَ إِمْسَاكِهِ وَ التَّقَلُّبِ فِيهِ فَجَمِيعُ تَقَلُّبِهِ فِي ذَلِكَ حَرَامٌ؛(۲). فروختن مردار، خون، گوشت خوک، شراب یا هر چیز

۱- البته فقها کودکان را استثنا فرموده و گفته اند: خوراندن غذای متنجس (نه خود نجس) به کودکان اشکال ندارد، به شرط آنکه ضرری متوجه آنان نشود. (توضیح المسائل محشی، ج ۱، ص ۹۴).

۲- وسائل الشیعه، ج ۲۴، ص ۲۳۸.

نجسی مؤکداً حرام است؛ زیرا از این موارد در اسلام نهی شده؛ اعم از خوردن، آشامیدن، پوشیدن، به ملکیّت در آوردن، نگهداشتن و هرگونه تصرفات دیگر.»

بنابراین، دست اندر کاران مواد غذایی هرگز نباید از مواد غذایی نجس یا متنجس استفاده نمایند و یا آن را به خورد دیگران بدهند؛ اگرچه دادن غذای متنجس به حیوانات اشکال ندارد.

یادآوری چند نکته در این زمینه ضروری است:

الف) تعداد نجاسات

در دین اسلام چیزهایی به عنوان نجس معرفی شده است که می دانیم مسئله پاک و نجسی غیر از بهداشت و عدم بهداشت می باشد.

چیزهای نجس عبارتند از:

۱. ادرار و مدفوع انسان و هر حیوان حرام گوشتی که خون جهنده دارد.

۲. خون انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد، اعم از حلال گوشت و حرام گوشت؛ ولی خونی که در تخم

مرغ یافت می شود، مورد بحث و اختلاف نظر است که هر کسی باید به مرجع خود مراجعه کند.

۳. مُردار انسان (تا وقتی او را غسل های سه گانه میّت نداده اند) و هر حیوانی که خون جهنده دارد، اعم از حلال گوشت و حرام گوشت.

۴. منی انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد، چه حلال گوشت و چه حرام گوشت.

۵. تمام اجزای سگ و خوکی که در خشکی زندگی می کنند، حتی مو، استخوان، پنجه، ناخن و رطوبت های آنها، نجس است(۱). ؛ ولی سگ و خوک دریایی پاک هستند، گرچه خوردن آنها حرام است. (دادن قرص به سگ ها از جانب نهادهای بهداشتی، سبب پاک شدن آنها نمی شود.)

یادآوری: غیر از این دو حیوان، بدن تمام حیوانات (در حالی که زنده هستند) پاک است.

۶. شراب و هر چیز مست کننده ای که از اول مایع بوده است؛ اما چیزهای مست کننده ای که مایع نیستند یا از اول مایع نبوده و بعد به صورت مایع درآمده اند، (گرچه خوردنش حرام است؛ ولی) نجس نیستند.

۷. آبجو؛ ولی «ماء الشعیر» که در بازار مسلمین یافت

۱- توضیح المسائل محشی، ج ۱، ص ۷۵.

می شود، پاک و حلال است.

۸. کافر؛ یعنی کسی که:

الف) منکر خداست؛

ب) برای خدا شریک قرار می دهد؛

ج) پیغمبری حضرت محمّد(صلّی الله علیه و آله) را قبول ندارد؛

د) در یکی از موارد فوق شک دارد؛

ه-) ضروری دین؛ یعنی چیزهایی مثل نماز، روزه، حج و... مسلمانان آن را جزء دین اسلام می دانند، منکر می شود؛(۱).

و) با اهل بیت پیامبر(صلّی الله علیه و آله) دشمنی می ورزد؛

ز) در مورد انسان ها (اعم از خاندان پیامبر و دیگران) غلوّ ورزیده، آنها را از حد عبودیّت و بندگی خداوند بالاتر می برد.(۲).

تمام اجزای بدن و حتی عرق کافر نیز نجس است.

اگر مواد غذایی نجس شود، در صورت امکان حتماً باید اغذیه فروش آن را تطهیر کند و سپس از آن برای تهیه اغذیه استفاده نماید و چنانچه امکان تطهیر وجود نداشته باشد، نمی تواند با آن غذا تهیه کند و در اختیار مردم قرار دهد.

۱- همان، ص ۷۶.

۲- منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، ج ۳، ص ۲۲۴.

ب) موارد جواز

در مواردی، بنا بر پاک بودن مواد خوراکی گذاشته می شود و استفاده از آنها برای طبخ اشکالی ندارد:

۱. معلوم نیست دستی که به مواد خوراکی برخورد نموده، نجس بوده یا نه؛

۲. معلوم نیست دستِ نجس به مواد غذایی برخورد کرده یا نه؛

۳. معلوم نیست نجاست دست، به مواد غذایی سرایت کرده یا نه؛ زیرا اگر دو چیزی که یکی پاک و دیگری نجس است، به یکدیگر برخورد نمایند؛ ولی هر دو خشک باشند، نجاست منتقل نمی شود؛

۴. معلوم نیست چیز مشکوک جزء اشیای نجس است یا نه؛ مانند اینکه دانه سیاهی بین برنج ها وجود دارد

که معلوم نیست فضله موش است یا چیز دیگر.(۱).

در موارد فوق، حتی تفحص و جستجو نیز لازم نیست و باید بنا بر پاک بودن آن گذاشت.

ج) چیزهای غیر قابل تطهیر

چنانچه برخی از مواد غذایی نجس شوند، دیگر قابل پاک شدن نیستند. بعضی از آنها عبارتند از:

۱. شیر: چنانچه شیر نجس شود، قابل پاک شدن

۱- توضیح المسائل محشی، ج ۱، ص ۸۸.

نیست، گرچه آن را به پنیر تبدیل کنند و یا در آب کُر قرار دهند.(۱). لازم است در این زمینه هرکسی به رساله مرجع خود مراجعه کند.

۲. آب میوه: تمام آب میوه ها، چنانچه نجس شوند، قابل تطهیر نیستند.

۳. شیره مایع: اعم از شیره خُرما، انگور و... اگر نجس شوند، چنانچه سفت باشند، فقط همان موضع متنجس می گردد و با برداشتن آن مقدار نجس و قدری از اطراف آن، بقیه پاک خواهد بود، و چنانچه سفت نبوده؛ بلکه به صورت مایع باشد، با نجس شدن یک قسمت، تمام آن شیره نجس شده و دیگر قابل تطهیر نمی باشد.

۴. روغن مایع: اگر روغن جامد باشد و نجسی در آن بیفتد، همان قسمت متنجس برداشته می شود و بقیه پاک است؛ اما اگر روغن مایع باشد و در همان حال نجسی در آن بیفتد، تمام روغن نجس می شود و دیگر قابل پاک شدن نیست.(۲).

مایعاتی از این دست، چنانچه نجس شوند، قابل پاک شدن نمی باشند؛ اما اگر آب مطلقِ(۳). قلیل(۴). نجس شود، با

۱- لازم است در این زمینه هرکسی به رساله مرجع خود مراجعه کند.
۲- توضیح المسائل محشی، ج ۱، ص ۸۹.
۳- آب مطلق به آب معمول و متعارف گفته می شود که با چیزی مخلوط نشده یا از چیزی گرفته نشده باشد و مردم به آن «آب» بگویند، بدون اینکه پسوندی داشته باشد (مثلاً به آبمیوه آب گفته نمی شود).
۴- آب قلیل در مقابل آب کُر است. آب کُر؛ آبی است که در ظرفی بگنجد که هر یک از طول، عرض و عُمق آن، سه وجب و نیم یا بیشتر باشد. بنابراین، آب قلیل به آبی گفته می شود که کمتر از این مقدار باشد.

اتصال به کُر یا ریختن باران بر روی آن، پاک می گردد، به شرط آنکه عین نجس در آن وجود نداشته باشد.

۵. حبوبات خیس خورده در آب نجس: چنانچه ظاهر حبوبات متنجس گردد، با آب کشیدن پاک می شود؛ ولی اگر حبوبات در آبِ نجس خیس خورده باشند،(۱)پاک شدن آنها محل تأمل است و در این زمینه باید به رساله مرجع مراجعه شود.

گندمی که متنجس شده است، بر اثر تبدیل شدن به آرد یا نان پاک نمی گردد.

۶. خمیر نجس: چنانچه آرد نجس شود، همان قسمت متنجس برداشته می شود و بقیه آن پاک است؛ اما اگر

در داخل آرد، آب ریخته شده باشد، در این صورت مسئله دارای اقسامی است:

الف) ابتدای آب ریختن در آرد، نجسی در آن بیفتد، به مقداری که آب و نجاست رسیده، آرد متنجس شده و بقیه آردها پاک است.

ب) بعد از ریختن آب در آرد و تشکیل خمیر، معلوم شود که از اول نجسی داخل آن افتاده بوده، در این

۱- مانند اینکه برنج را در طشت آب خیس کنند و بعد از خیس خوردن، فضله موش در آن یافت شود.

صورت تمام آن خمیر نجس شده است و با تبدیل شدن به نان یا هر چیز دیگر قابل تطهیر نمی باشد.

ج) بعد از تشکیل خمیر، نجسی در آن بیفتد؛ در این صورت همان محدوده ای که نجس افتاده است، برداشته و دور ریخته می شود و بقیه خمیرها پاک می باشد.

د) خبایث

اشاره

در دین اسلام، خوردن و آشامیدن چیزهای خبیث حرام می باشد. مقصود از خبایث، چیزهایی است که طبع بشر از آنها تنفّر دارد. قرآن کریم در این زمینه می فرماید: «یُحِلُّ لَهُمُ الطَّیِّباتِ وَ یُحَرِّمُ عَلَیْهِمُ الْخَبائِث»(۱)؛ «(پیامبر خدا(صلّی الله علیه و آله)) چیزهای پاکیزه را بر مردم حلال و اشیای تنفرآور (خبیث) را بر ایشان حرام کرده است.»

و در جای دیگر می فرماید: «یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا کُلُوا مِنْ طَیِّباتِ ما رَزَقْناکُمْ وَ اشْکُرُوا لِلَّهِ إِنْ کُنْتُمْ إِیَّاهُ تَعْبُدُونَ»(۲)؛ «ای کسانی که ایمان آورده اید! از نعمت های پاکیزه ای که به شما روزی داده ایم، بخورید و شکر خدا را به جای آورید؛ اگر او را پرستش می کنید!»

۱- اعراف/ ۱۵۷.

۲- بقره/ ۱۷۲.

در این قسمت لازم است به دو نکته اشاره کنیم:

۱. غذای آلوده:

اسلام دین نظافت و پاکیزگی است و آن را نشانه ایمان می داند.(۱) اگر فضای نگهداری فروشگاه مواد غذایی، بهداشت مناسب را نداشته باشد، به طوری که مواد غذایی آلوده به میکروب گردد، فروش و تحویل آن به دیگران جایز نیست. هم چنین اگر دست فروشنده اغذیه کثیف و چرکین باشد، حق ندارد به مواد غذایی دست زده، آنها را در اختیار مشتریان بگذارد؛ زیرا در اندیشه تمام مشتریان این ذهنیّت وجود دارد که «جنس سالم» و «مواد غذایی بهداشتی» در اختیار آنان گذاشته می شود نه غذای کثیف و ناسالم.

اگر مشتریان بدانند مواد غذایی ارائه شده بهداشتی نیست، هرگز برای تهیه آن اقدام نمی کنند. بر این اساس، «شرطِ سلامت» و « بهداشتی بودن» مواد غذایی، یک «شرط ارتکازی» است که مشتریان با این شرط اقدام به خرید می نمایند.(۲)

مواد غذایی آلوده، جنس معیوب به شمار می رود و فروختن جنس معیوب، نوعی غِشّ و فریبکاری در معامله

۱- پیامبر خدا(صلّی الله علیه و آله) فرمودند: «النَّظَافَةُ مِنَ الْإِیمَانِ؛ نظافت نشانه ایمان است.» بحار الانوار ، ج ۵۹ ، ص ۲۹۱.
۲- توضیح المسائل محشی، ج ۲، ص ۲۳۸.

است که پیامبر خدا(صلّی الله علیه و آله) فرمودند: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ غَشَّ مُسْلِماً وَ لَيْسَ مِنَّا مَنْ خانَ مُسْلِماً(۱)؛ از ما مسلمانان نیست، کسی که مسلمانی را فریب دهد و به وی خیانت کند.»

۲. مواد غذایی فاسد:

فروش مواد غذایی فاسد شده بنا به ادله ای که گفته شد، حرام است و چنانچه فروشنده به فساد جنس خود آگاه باشد و بر اثر فروش مواد غذایی فاسد یا موادی که تاریخ مصرف آن به پایان رسیده است، صدمه ای متوجه مشتریان کند، ضامن خواهد بود و باید تمام خسارت های وارد شده از قبیل هزینه درمان، ناقص شدن عضو بدن و یا هر خسارت دیگر را جبران نماید.(۲)

تذکر: اگر «اداره بهداشت» از ناسالم بودن مواد غذایی مطلع نشود، دست اندر کاران مواد غذایی حق ندارند آن مواد ناسالم را در اختیار مردم گذاشته، از عدم اطلاع مشتریان سوءاستفاده کنند. فروشندگان مواد غذایی در زمینه لزوم پرهیز از استفاده مواد آلوده، شرعاً تکلیف دارند، اعم از اینکه اداره بهداشت یا دستگاه قضایی مطلع شود یا نه.

۱- امالی صدوق، ص ۲۷۰.

۲- فقها برای هر عضو، دیه خاصی را مشخص نموده اند.

۵. تشخیص بهداشت

اشاره

امروزه در عُرف بین الملل، از مواد غـذایی سالم به «مواد غذایی بهداشتی» تعبیر می شود. این همان تعبیری است که فقها از آن به عنوان «سلامت» یاد نموده اند و سالم بودن هر جنسی را برای خرید و فروش لازم و واجب دانسته اند.

سلامت هر کالایی بر حسب و متناسب با همان جنس است. مثلاً تعریفی که از ماشین سالم ارائه می شود، غیر از تعریفی است که از مواد غذایی سالم ارائه می گردد؛ زیرا تشخیص سالم و معیوب بودن هر جنسی بستگی به عُرف همان صنف دارد.

در این زمان، تعریف دقیق غذای سالم از ناسالم، بر عهده «اداره بهداشت» گذارده شده است؛ زیرا با تنوع مواد غذایی، تشخیص سالم بودن مواد غذایی نیاز به کارشناسی فنی و مناسب دارد. از اینجا می توان پی به اهمیت و حیاتی بودن کار اداره بهداشت برد؛ چراکه سلامت عمومی جامعه و بهداشت مردم به دست آنان است.

امور قابل توجه خدمتگذاران بهداشت

کسانی که در مراکز نظارتی بهداشتی تلاش می نمایند، لازم است به امور زیر توجه کنند:

ص: ۳۵

۱. کسانی که مسئولیت سرکشی به فروشندگان مواد غذایی را دارند، لازم است دقت مناسب را به کار برده، از هرگونه پارتی بازی و گزینه ای عمل کردن خودداری کنند، وگرنه درآمد و کسب آنان حرام خواهد بود؛ زیرا آنان برای تأمین سلامت عمومی مردم استخدام شده اند، پس موظف هستند در جهتی که برای آن به کار گرفته شده اند، به طور صحیح انجام وظیفه نمایند.(۱)

۲. از افراط و تفریط خودداری کرده، بر اساس آنچه به طور متعارف در روال قانونی و دستور کار خود دارند، مشی نمایند. در غیر این صورت، هم به صنف فروشندگان مواد غذایی ظلم کرده اند و هم به مصرف کنندگان.

۳. دریافت رشوه و کتمان حقیقت، از گناهان کبیره به شمار می رود، لذا اگر خدمتگذاران بهداشت عمومی حقی را باطل جلوه دهند یا باطلی را به صورت حق نمایان سازند، درآمد حرام کسب نموده اند.

پیامبر خدا(صلّی الله علیه و آله) فرمود: «الرَّاشِي وَ الْمُرْتَشِي وَ الْمَاشِي بَيْنَهُمَا مَلْعُونُونَ؛(۲) رشوه دهنده و رشوه گیرنده و کسی که بین آن دو وساطت می کند، ملعون هستند.»

۱- تمام فقهای بزرگوار بر این فتوا می باشند که اجیر باید طبق قرارداد خود عمل نموده، در کار خود کوتاهی نکند.
۲- بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۲۷۴.

۴. دروغ و گزارش نادرست به مقامات قضایی و به کار بردن حُب و بغض ها نیز گناه و ضمان آور است.

۶. حیوانات حرام گوشت

اشاره

فقها بنا به آیات و روایات، حیوانات را به سه دسته تقسیم نموده اند: حلال گوشت، حرام گوشت و مکروه. این احکام از میان حیوانات خشکی، آبزی و پرندگان بوده. برای حلال و حرام بودن هر یک، فهرست و معیارهایی مشخص نموده اند:

حیوانات خشکی:

حیوانات حرام گوشتی که در خشکی زندگی می کنند، عبارتند از:

الف) حیوانات نجس: در بحث چیزهای نجس یادآوری شد که بدن تمام حیوانات زنده پاک است، به استثنای دو مورد سگ و خوکی که در خشکی زندگی می کنند که تمامی اجزای این دو حیوان نجس است و از حیوانات حرام گوشت نیز می باشند.

ب) حیوانات درنده: گوشت تمام حیوانات درنده مانند شیر، کفتار، ببر، پلنگ، گرگ و مطلق گربه سانان، حرام است.

ج) میمون ها: تمام انواع میمون ها از جمله بوزینه ها و

شامپانزه ها حرام گوشت هستند و استثنایی در آن وجود ندارد.

د) حشرات: آنچه جزء حشرات به حساب می آید، مانند مگس، پشه، مورچه، سوسک و... در

فقه شیعه حرام می باشد و تنها ملخ استثنا شده است.

ه-) مارها: تمام اقسام مارها، اعم از آبی و خشکی، جزء حیوانات حرام گوشت هستند.

و) خرگوش و موش: خرگوش ها و موش ها با تمام اقسام و انواعشان حرام می باشند و هیچ استثنایی در این

مورد وجود ندارد.(۱)

ز) سوسمار ها: گوشت تمام حیوناتی که از خانواده سوسمارها به شمار می روند، مانند مارمولک، تمساح، بزمجه، سمندر و... حرام است.(۲)

حیوانات آبزی:

گوشت تمام حیوانات آبزی حرام است، به استثنای دو مورد: ماهی پولک دار و میگو. بنابراین، حیواناتی مانند: لاک پشت، خرچنگ، مارماهی، حلزون، قورباغه، ماهی بدون پولک، عروس دریایی، کوسه و... حرام گوشت هستند.(۳)

۱- لازم به ذکر است که گوشت اسب و الاغ مکروه است، نه حرام.

۲- زبده الاحکام، ص ۱۸۷.

۳- تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۵۵.

پرندگان:

مقصود از پرندگان، حیواناتی هستند که دارای بال می باشند، اعم از اینکه بتوانند پرواز کنند یا نتوانند، پس پرندگانی از قبیل مرغ و خروس، شترمرغ، کبک و مانند اینها، اگرچه نمی توانند پرواز کنند؛ ولی حلال گوشت هستند و معیار در حلال یا حرام بودن سایر پرندگان را فقهای بزرگوار چنین بیان کرده اند:

* پرندگانی که چینه دان دارند حلال گوشت، و الا حرام گوشتند.

* پرندگانی که در پشت ساق پا ناخن دارند، حلال، و الا حرامند.

* پرندگانی که سنگدان دارند، حلال، و الا حرامند.

* پرندگانی که هنگام پرواز بیشتر بال می زنند و کمتر بال های خود را صاف نگه می دارند حلال، و الا حرامند.

* پرندگانی که «پنجه» دارند که به وسیله آن شکار می کنند، حرامند مانند: عُقاب، کَرکَس، کلاغ (به انواع

اقسامش)، جغد، شاهین و... که در برخی تعابیر فقهی از اینگونه پرندگان به سباع (درنده) تعبیر شده است.(۱)

۱- همان، ص ۱۵۷.

شیر و تخم حیوانات:

ممکن است این سؤال به وجود آید که حکم شیر حیوانات و نیز تخم پرندگان و ماهی ها چیست؟ آیا در این مورد تفصیلی وجود دارد؟

پاسخ: حکم این موارد تابع خود حیوان است؛ یعنی حیواناتی که حلال گوشت هستند، شیر یا (در پرندگان و ماهی ها) تخم آنها نیز حلال است و حیواناتی که حرام گوشت هستند، شیر یا تخم آنها نیز حرام است.(۱)

قرآن مجید در مورد برخی از محرمات غذایی چنین می فرماید: «إِنَّما حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَ الدَّمَ وَ لَحْمَ الْخِنْزيرِ وَ ما أُهِلَّ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ فَمَنِ اضْطُرَّ غَيْرَ باغٍ وَ لا عادٍ فَلا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحيم»(۲)؛ «خداوند، تنها (گوشت) مردار، خون، گوشت خوک و آنچه را نام غیرِ خدا به هنگام ذبح بر آن گفته شود، حرام کرده است؛ (ولی) آن کس که مجبور شود، در صورتی که ستمگر و متجاوز نباشد، گناهی بر او نیست (و می تواند برای حفظ جان خود، در موقع ضرورت، از آن بخورد). همانا خداوند بخشنده و مهربان است.»

۱- همان، ص ۱۵۶.

۲- بقره/ ۱۷۳.

۷. حرام شدن حلال گوشت

اشاره

در مواردی گوشت حیوان حلال گوشت، حرام می گردد که به احکام آن اشاره می کنیم:

۱. مُردن حیوان:

هر حیوان حلال گوشتی که بمیرد، خوردن آن حرام می گردد و حلال شدن حیوانات مشروط به ذبح شرعی آنهاست. به استثنای ماهی که حلال شدن آن به این است که زنده از آب گرفته شود و در بیرون از آب جان دهد.(۱)

۲. نجاست خوار شدن:

گاهی حیوانات حلال گوشت عادت به خوردن مدفوع انسان یا چیزهای نجس دیگر می کنند. در صورت عادت، آن حیوان حرام گوشت می شود؛ اما اگر آن حیوان را «استبراء» کنند؛ یعنی در جایی قرار دهند که این عادت را ترک کند، پس از آن دو مرتبه حلال می گردد.(۲)

۳. عدم ذبح شرعی:

ذبح شرعی حیوانات دارای شرایطی است که چنانچه

۱- توضیح المسائل محشی، ج ۲، ص ۵۹۱.

۲- از این گونه حیوانات در فقه به «جلّال» تعبیر می شود. لازم به ذکر است که فقط عادت به خوردن مدفوع انسان، سبب حرمت گوشت حیوان می گردد، نه نجاسات دیگر.

بعضـی از آنها عمداً ترک شوند، حیوان حرام می گردد و برخی نیز چه عمداً و چه سـهواً ترک شوند، حیوان مانند مردار حرام می گردد.

از جمله چیزهایی که ترک آن به صورت عمـدی موجب حرام شـدن حیوان می گردد، عبارتنـد از: ترک نام خـدا و رو به قبله نبودن حیوان به هنگام ذبح.

و آن چیزهایی که ترکش مطلقا (عمـدی یا سـهوی) سـبب حرام شدن حیوان می گردد، عبارتند از: قرار گرفتن برآمدگی گلو در قسمت بدن؛ ذبح حیوان توسط کافر؛ و بریده نشدن رگ های چهارگانه.

۴. وطی:

چنـانچه (نعوذ بالله) انسانی با حیوان حلال گوشتی وطی (نزدیکی) کنـد، علاوه بر آنکه مرتکب کار حرامی شـده است،(۱)آن حیوان و شـیر و احیاناً بچه ای که در شـکم دارد، حرام شـده، دیگر قابل حلال شـدن نیست. در این صورت بایـد آن حیوان را ذبـح کننـد و سـپس بسوزاننـد و چنانچه انجام دهنده این عمل زشت مالک آن نبوده است، باید پول آن حیوان را به مالک (به عنوان خسارت) بپردازد.

۱- وطی حیوانات حرام است؛ اعم از حلال یا حرام گوشت.

۵. شکار در حال احرام:

یکی از چیزهایی که سبب حرام شدن حیوان حلال گوشت می گردد این است که شخص مُحرم(۱) در حین احرام شکار کند.(۲)

۶. شکار غیر شرعی:

چنانچه شکارچی سگ شکاری یا تیر را به طرف شکار رها نماید، اگر هنگامی که به حیوان شکار شده رسید و ملاحظه کرد حیوان بر اثر گاز گرفتن سگ یا اصابت تیر مرده است، آن حیوان حلال می باشد؛ ولی اگر موقعی به حیوان برسد که هنوز حیوان زنده است، باید آن را ذبح شرعی کند، وگرنه چنانچه حیوان خودبخود جان دهد، در این صورت حرام خواهد شد.(۳)

۱- فرق نمی کند که به احرام عمره باشد یا حج.
۲- قرآن مجید در این مورد می فرماید: «یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا لا تَقْتُلُوا الصَّیْدَ وَ أَنْتُمْ حُرُمٌ وَ مَنْ قَتَلَهُ مِنْکُمْ مُتَعَمِّداً فَجَزاءٌ مِثْلُ ما قَتَلَ مِنَ النَّعَمِ یَحْکُمُ بِهِ ذَوا عَدْلٍ مِنْکُمْ هَدْیاً بالِغَ الْکَعْبَهِ أَوْ کَفَّارَهٌ طَعامُ مَساکینَ أَوْ عَدْلُ ذلِکَ صِیاماً لِیَذُوقَ وَبالَ أَمْرِهِ عَفَا اللَّهُ عَمَّا سَلَفَ وَ مَنْ عادَ فَیَنْتَقِمُ اللَّهُ مِنْهُ وَ اللَّهُ عَزیزٌ ذُو انْتِقامٍ»؛ «ای کسانی که ایمان آورده اید! در حال احرام شکار نکنید، و هر کس از شما عمداً آن را به قتل برساند، باید کفاره ای معادل آن از چهارپایان بدهد. کفاره ای که دو نفر عادل از شما، معادل بودن آن را تصدیق کنند و به صورت قربانی به (حریم) کعبه برسد؛ یا (به جای قربانی) اطعام مستمندان کند؛ یا معادل آن روزه بگیرد، تا کیفر کار خود را بچشد. خداوند گذشته را عفو کرده؛ ولی هر کس تکرار کند، خدا از او انتقام می گیرد؛ و خداوند توانا و صاحب انتقام است.» (مائده/ ۹۵)
۳- توضیح المسائل محشی، ج ۲، ص ۵۸۹.

۷. اجزای حیوانات:

تمـام اجزای هر حیوان حلال گوشتی مطلقا حلال نیست؛ بلکه در این زمینه تفصـیلاتی بیان شـده است که به سه مبحث در این زمینه اشاره می شود:

الف) پـانزده جزء حرام: خوردن پـانزده چیز از حیوانات حلال گوشت، حرام است: خون، فضـله (اعم از ادرار و مـدفوع حیوان که پس از ذبـح در بدنش جا مانده)، آلت تناسـلی (مادگی یا نری)، رَحِم (بچه دان)، دُشوَل (غده ها)، دمبلان (تخم یا بیضه)، چیزی کـه در مغز کلّـه است و به شـکل نخـود می باشـد، نخـاع (حرام مغز که در میـان سـتون مهره پشت است)، پی که در دو طرف تیره پشـت اسـت، زَهره دان، سـپرز (طحـال)، بـول دان (مثـانه)، حدقـهٔ چشم، چیزی که در میـان سُم است و به آن «ذات الاشاجع» می گویند.(۱)

ب) توجه به محرمات: لازم است اغذیه فروشان، به محرمات فوق توجه نموده، هم خود را آلوده به معصـیت نکنند و هم کار و کسب خود را از مـال حرام حفظ نماینـد. در این زمینه شـغل هاییماننـد: کله پزی ها، جگرکی ها و ساندویـچ فروش ها بیشتر مخاطب قرار می گیرند.

ج) عضو جدا شده از حیوان زنده: حیوانی که زنده است،

۱- همان، ص ۵۹۶.

گرچه حلال گوشت باشد، عضو جدا شده از او در حکم مردار بوده و خوردن آن حرام است.

مسئله: اگر چیزی را که روح دارد، از حیوان زنده جدا نمایند، مثلاً دنبه یا مقداری گوشت از گوسفند زنده ببرند، نجس و حرام می باشد.(۱)

این حکم در مورد ماهی ها استثنا می باشد؛ یعنی چنانچه ماهی را زنده از آب بگیرند و با اینکه زنده است آن را قطعه قطعه نمایند، به فتوای بیشتر فقها حلال خواهد بود.(۲)

۹. مسکرات

استفاده از چیزهای مست کننده در مواد غذایی جایز نیست. در این جهت فرقی وجود ندارد بین اینکه ماده مست کننده:

* خوردنی باشد یا آشامیدنی؛

* کم باشد یا زیاد؛

* با چیزی مخلوط شده باشد یا نه، حتی فقها می فرمایند: چنانچه یک قطره شراب در یک پارچ

۱- همان، ص ۵۹۵.

۲- همان، ص ۵۹۳.

آب یا آبمیوه ریخته شود، تمام آن حرام خواهد شد.

* مایع باشد یا جامد، پودر باشد و یا به هر شکل دیگری؛

* از عناصر شیمیایی تشکیل شده باشد یا طبیعی.(۱)

علی بن زید می گوید: در محضر امام صادق(علیه السلام) بودم، مردی از آن حضرت پرسید: آیا نماز شارب الخمر (نوشنده شراب) قبول است؟ حضرت فرمودند: کسی که چیز مست کننده ای بیاشامد، تا چهل روز نمازش مورد قبول درگاه خداوند واقع نمی شود، مگر اینکه توبه کند.(۲)

البته این بدان معنا نیست که نوشنده شراب دیگر نمازش را ترک کند؛ بلکه او نیز مانند سایر مردم باید نماز بخواند؛ ولی قبل از نماز باید دهان خود را آب بکشد و بداند که نمازش آن اثری که باید داشته باشد، ندارد.

هم چنین پیامبر خدا(صلّی الله علیه و آله) فرمود: کسی که شراب می نوشد: اگر مریض شد، به عیادتش نروید؛

در تشییع جنازه اش حاضر نشوید؛

گواهی و شهادت او را نپذیرید؛

به وی زن ندهید؛

و او را امین نشمارید.»(۳)

۱- همان، ص ۶۰۳.

۲- بحار الانوار، ج ۶۳، ص ۴۸۸.

۳- «شَارِبُ الْخَمْرِ إِنْ مَرِضَ فَلَا تَعُودُوهُ وَ إِنْ مَاتَ فَلَا تَحْضُرُوهُ وَ إِنْ شَهِدَ فَلَا تُزَكُّوهُ وَ إِنْ خَطَبَ فَلَا تُزَوِّجُوهُ وَ إِنْ سَأَلَكُمْ أَمَانَةً فَلَا تَأْتَمِنُوهُ؛ الکافی، ج ۱، ص ۳۹۷.

و در حدیث دیگری می خوانیم: «لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ(صلّی الله علیه و آله) الْخَمْرَ وَ عَاصِرَهَا وَ مُعْتَصِرَهَا وَ بَائِعَهَا وَ مُشْتَرِیَهَا وَ سَاقِیَهَا وَ آکِلَ ثَمَنِهَا وَ شَارِبَهَا وَ حَامِلَهَا وَ الْمَحْمُولَهَ إِلَیْهِ؛(۱) رسول اکرم(صلّی الله علیه و آله) در مورد شراب و کسانی که با آن سر و کار دارند، این گروه ها را لعنت نمودند: خود شراب، کسی که آن (انگور را برای شراب) می فشرد، شخصی که آن را می سازد، فروشنده شراب، مشتری شراب، ساقی شراب، شخصی که پول حاصل از فروش شراب را مصرف نماید،نوشنده شراب، حمل کننده شراب و شخصی که شراب به سوی او حمل شود (نگهدارنده شراب).»

لذا روایات و رساله های عملیه حضور بر سر سفره ای که در آن شراب باشد را تحریم نموده، می فرمایند: «سر سفره ای که در آن شراب می خورند، اگر انسان یکی از آنان حساب شود، بنا بر احتیاط واجب نباید نشست و چیز خوردن از آن سفره حرام است.»(۲)

۱۰. منع حاکم شرع

اسلام هم دینی است که به فرد اهمیت می دهد و هم اجتماعی است و تصمیمات جامعه اسلامی را آنگاه به رسمیت می شناسد که تحت اشراف دین مبین اسلام –

۱- همان، ص ۳۹۸.

۲- توضیح المسائل محشی، ج ۲، ص ۶۰۴.

از طریق قرآن و سنت پیامبر و ائمه(علیهم السلام) - باشد.

در زمان غیبت امام زمان(علیه السلام) امر اشراف و نظارت بر جامعه به عهده مجتهد جامع الشرایط گذارده شده است. امام عسکری(علیه السلام) می فرمایند: «فَأَمَّا مَنْ کَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِناً لِنَفْسِهِ حَافِظاً لِدِینِهِ مُخَالِفاً عَلَی هَوَاهُ مُطِیعاً لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِّ أَنْ یُقَلِّدُوه؛(1) هر کس از فقهای شیعه که خود را (از معاصی و رذایل) نگاه دارد و مخالف هوای نفس بوده، اطاعت پروردگار نماید، مردم باید از وی (در عمل به احکام دین) تقلید نمایند.»

یکی از موارد حرمت مواد غذایی آن است که مجتهد جامع الشرایط به دلیلی از خرید و فروش آن منع کند. بدیهی است این ممنوعیت ذاتی نبوده؛ بلکه عارضی و به خاطر مصلحت سیاسی یا اجتماعی مسلمین صورت می گیرد.

به عنوان مثال، مرحوم سید محمدحسن شیرازی (م ۱۳۱۲ق) در مورد تحریم تنباکو که امتیاز آن در اختیار دولت کفر انگلیس قرار می گرفت، فرمود: «الیوم استعمال التوتون و التنباکو بأیّ نحو کان فی حکم محاربه الإمام الحجه صاحب الأمر عجل الله تعالی فرجه

۱- وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۳۱.

الشریف؛[1]امروز استعمال تنباکو، به هر صورتی که باشد، در حکم جنگ با امام زمان(علیه السلام) است.»

آنچه در زمان میرزای شیرازی اتفاق افتاد، منحصر به آن وقت نبوده و ممکن است در برخی زمان ها یا اجناس دیگر نیز رخ دهد. در این صورت، اگر مجتهد جامع الشرایط حکم به ممنوعیت آن کالا دهد، لازم است پیروی شود.

۱- دلیل تحریر الوسیله، ص ۴۶.

بخش دوم:طبخ

اشاره

پختن و تهیه مواد غـذایی نیز دارای احکام شـرعی خاصـی می باشـد که لازم است هر یک ضـمن تذکراتی مورد بررسـی قرار گیرد:

۱. حکم تأثیر آتش

آتش در بیشتر موارد تأثیری در احکام شرعی غذا ندارد؛ اما در سه مورد تأثیرگذار است:

۱. اگر چیز نجس به وسیله آتش به خاکستر تبدیل گردد، آن خاکستر پاک می باشد؛

۲. اگر چیز نجس به وسیله آتش به دود تبدیل گردد، آن دود پاک است؛

۳. چنانچه شراب به وسیله آتش به سرکه تبدیل گردد، پاک است و خوردن آن حلال.

در غیر سه مورد فوق، آتش و نیز طبـخ مواد غذایی تأثیری در احکام شـرعی ندارد. مثلاً چنانچه فرض کنیم ذره ای از چیزهای نجس - که در فصل اول بدان اشاره شد

- در سوپ، آش، برنج در حال جوشیدن و یا هر غذایی که به صورت مایع است، بیفتد، آن غذا متنجس شده و با حرارت و آتش پاک نمی گردد.

مراجع تقلید تصریح کرده اند که اگر موقع جوشیدن غذا ذرّه ای خون در آن بیفتد، تمام غذا و ظرف آن نجس می شود و جوشیدن و حرارت و آتش پاک کننده آن نیست.(۱)

و نیز پختن گوشت حیوان حرام یا اجزاء حرامِ حیوان حلال گوشت، سبب حلال شدن آنها نمی گردد. مثلاً گوشت خرگوش و بیضتین حیوان (مطلقا، اعم از حلال گوشت یا حرام گوشت) حرام است و با پختن، تغییری در حرمت آن پیدا نمی شود.

البته اگر مثلاً- آب برنج خشک شده یا اصطلاحاً در حال دم کشیدن است، چنانچه در همان لحظه نجسی در آن بیفتد، آن نجس و اطرافش برداشته می شود و بقیه غذا پاک است.

۲. جوش آمدن انگور و آب آن

در فقه اسلام میوه یا آبمیوه حرام وجود ندارد. بنابراین، تمام میوه ها و آب آنها حلال می باشد، اعم از اینکه طبخ شوند یا نه.

۱- توضیح المسائل محشی، ج ۱، ص ۷۵.

فقط یک استثنا وجود دارد[(۱)] و آن این است که چنانچه انگور یا آب آن به جوش آید، حرام می شود، مگر اینکه دو ثلث آبِ آن تبخیر گردد. ازاین رو، نباید داخل غذای در حال جوشیدن انگور یا آب انگور بریزند.

مراجع تقلید فرموده اند: اگر انگور یا آب انگور جوش آید، چنین غذایی متنجس و مست کننده نیست؛[(۲)] ولی خوردن آن حرام می شود. حرمت این غذا تا وقتی باقی است که دو سوم آب آن تبخیر نشده باشد؛ ولی پس از اینکه دو سوم آبش تبخیر شد، حلال می گردد.

این مطلب فقط مختص انگور و آب آن در حال جوشیدن است؛ اما این موارد حلال است:

۱. غوره و آب غوره جوش آمده؛

۲. سرکه جوشیده؛

۳. خرما، کشمش و مویز پخته شده؛

۴. غذایی که از جوش افتاده و سپس داخل آن انگور یا آب انگور ریخته شود؛

۵. لیمو و آبلیموی جوشیده؛

۶. انگور و آب انگوری که جوشش آن معلوم نباشد.

۱- همان طور که استثنائی نیز برای تذکر اول به شمار می رود.

۲- تنها یک نفر از فقها در زمان ما بنا بر احتیاط واجب قائل به نجس شدن می باشند که در این زمینه می توان از فقهایی که قائل به طهارت هستند، تقلید نمود.

مرحوم امام خمینی(رحمه الله) می نویسند: اگر معلوم نشود که آب انگور جوش آمده، حرام نیست، پس اگر انگور را در غذایی بریزند و آن غذا جوش بیاید؛ چون معلوم نیست که آب داخل انگور جوش آمده، حلال است.(۱)

سؤال: چنانچه فرض کنیم در ظرف غوره، چند خوشه انگور وجود داشته باشد، اگر چنین آبغوره ای به جوش آید یا داخل غذای در حال جوش ریخته شود، باز حرام خواهد شد؟

پاسخ: وجود چند دانه یا خوشه انگور، اشکالی ایجاد نمی کند تا وقتی که به آن آبغوره گفته شود و از صدق آبغوره بودن خارج نگردد.

فقها می فرمایند: اگر مثلاً در یک خوشه غوره چند دانه انگور باشد، چنانچه به آبی که از آن خوشه گرفته می شود، آبغوره بگویند و اثری از شیرینی در آن نباشد و بجوشد، پاک و خوردن آن حلال است.(۲)

نکته:

اول: در حکم مزبور (حرام بودن انگور و آب آن که به جوش آمده و نیز غذایی که در داخل آن یکی از این دو ریخته شود) آتش خصوصیت ندارد؛ بلکه به هر وسیله ای

۱- نجاه العباد، ص ۳۴۰.

۲- توضیح المسائل محشی، ج ۱، ص ۱۲۳.

که جوشش حاصل شود، همان حکم مترتب می گردد، حتی اگر فرض کنیم به وسیله سرخ کردن غذا انگور به جوشش درآید.

دوم: برخی از فقها مانند مرحوم امام(رحمه الله) بین اینکه آب انگور به خودی خود جوش آید - که در این صورت بنا بر احتیاط باید به سرکه تبدیل گردد تا حلال شود - و بین اینکه با آتش جوش بیاید - که در این صورت با تبخیر شدن دو سوم آبِ آن حلال می شود - فرق گذاشته اند. (۱)

سوم: اگر انگور یا آب آن به «شراب» تبدیل شود، حرام و نجس خواهد بود، اعم از اینکه تبدیل شدن به شراب به وسیله آتش صورت گیرد یا خود بخود یا به وسیله قرار گرفتن در برابر نور خورشید.

حرمت و نجاست انگور یا آب آن با تبخیر شدن دو سوم آب آن از بین نمی رود؛ بلکه وقتی حلال و پاک می شود که به سرکه تبدیل گردد. در این صورت هم خودش پاك و حلال می شود و هم ظرفی که در آن قرار دارد، پاك می گردد و نیازی به شستن آن نیست.(۲)

۳.خام خواری

سؤال: آیا خام خواری جایز است؟ یا اینکه حلال بودن

۱- نجاه العباد، ص ۳۴۱.

۲- توضیح المسائل محشی، ج ۱، ص ۱۲۷.

مواد غذایی مشروط به طبخ آن می باشد؟

پاسخ: اصولاً خوردن غذای خام (اگر برای بدن ضرر عمده ای نداشته باشد) اشکال ندارد، حتی در مورد گوشت (حلال). فقها می فرمایند: خوردن گوشت به طور خام جایز؛ ولی مکروه است، مگر آنکه بر اثر تابیدن خورشید یا حرارت آتش تغییر کند یا به صورت نمک زده در سایه خشک گردد،(۱) (که در این صورت مکروه نخواهد بود).

۴. غذای سوخته

سؤال: آیا خوردن غذای سوخته یا نیم سوخته جایز است؟

پاسخ: این مسئله دارای سه صورت است:

۱. غذای سوخته طوری است که جزء خبایث به شمار می رود؛ در این صورت خوردن آن حرام خواهد بود.

۲. غذای سوخته به صورتی است که برای بدن مُضِرّ(۲) محسوب می شود؛ در این مورد نیز خوردن آن حرام خواهد بود.

۳. غذای سوخته نه جزء خبایث به شمار رود و نه برای

۱- ترجمه تحریر الوسیله، ج ۳، ص ۲۸۵.

۲- مقصود از مضر در این گونه موارد، ضرر عمده می باشد.

بدن مضر باشد؛ در این صورت خوردن آن اشکال ندارد.(۱)

۵. خوردن ماهی زنده

گرچه این مسئله معمولاً در اغذیه فروشی ها اتفاق نمی افتد؛ ولی از آنجا که به طبخ و عدم طبخ مواد غذایی مربوط می شود، طرح آن در اینجا شایسته است.

سؤال: گاهی برخی افراد (برای درمان بیماری یا غیر آن) ماهی های کوچک زنده را می بلعند، آیا این کار جایز است؟

پاسخ: این مسئله دارای دو صورت می باشد:

۱. برای درمان و علاج مرض خاصی ضروری است که ماهی زنده بلعیده شود؛ در این مورد به اتفاق تمام فقها خوردن آن جایز است و اشکالی ندارد.

۲. برای تفرج و تفریح و یا هر علت دیگر غیر از ضرورت، ماهی زنده خورده شود؛ در این صورت فقها فتوای قطعی بر حرمت نداشته؛ بلکه بیشتر ایشان قائل به حلیت می باشند و تنها دو نفر(۲)از آن بزرگواران، طبق احتیاط واجب جایز نمی دانند. بنابراین، می توان در مسئله مزبور به فقهای قائل به جواز مراجعه نمود.(۳)

۱- ترجمه تحریر الوسیله، ج ۳، ص ۲۸۵.

۲- آیت الله بهجت و مکارم.

۳- توضیح المسائل محشی، ج ۲، ص ۵۹۲.

۶. طبخ در حال حیات

سؤال: در برخی طباخی ها ماهی را از آب گرفته؛ زنده آن را بریان می کنند. حکم اینگونه طبخ کردن چیست؟

پاسخ: فتوای فقها بر جواز و عدم اشکال است؛ ولی فرموده اند: بهتر آن است که صبر کنند ماهی جان دهد، بعد آن را بپزند.(۱) البته در برخی موارد شنیده شده که افرادی با چوب و مانند آن بر سر ماهی می زنند تا بمیرد و سپس آن را طبخ می کنند. این کار موجب حرام شدن ماهی می شود و باید از این کار اجتناب شود.

۷.اسراف

از تذکرات مهم در بحث طبخ و مصرف، مسئله لزوم توجه به پرهیز از «اسراف» می باشد. بر این اساس، فروشندگان، آشپزها و مصرف کنندگان محترم باید در کار خود دقت لازم را به کار برده، در بهره مندی از نعمت های خدادادی اسراف ننمایند.

قرآن می فرماید: «إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كانُوا إِخْوانَ الشَّياطِينِ وَ كانَ الشَّيْطانُ لِرَبِّهِ كَفُوراً»(۲)؛ «اسراف کنندگان برادران

۱- همان.

۲- اسراء/ ۲۷.

شیاطین اند و شیطان در برابر پروردگارش بسیار ناسپاس بود.»

و در دو آیه خداوند از اسراف کنندگان اعلام برائت نموده، تصریح کرده است که مسرفین را دوست ندارد: «لا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لا يُحِبُّ الْمُسْرِفين»(۱)

متأسفانه امروزه در رستوران ها و سالن های غذاخوری یا اغذیه فروشی ها بسیار اسراف صورت می گیرد، خصوصاً در مراسم جشن و عروسی.

بد نیست بدانید که یک سوم غذای جهان دور ریخته می شود. سازمان غذا و کشاورزی ملل متحد، سال ۲۰۱۱م گزارشی از میزان اسراف غذا در جهان منتشر کرد که شاه بیت آن گزارش این بود که حدود یک سوم از حجم کل غذای تولید شده در جهان اسراف می شود و یا هدر می رود؛ چنانچه همه ساله یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون تن (۱۳۰۰ میلیارد کیلو) غذا در جهان دور ریخته می شود. این میزان معادل نصف غله تولید شده در سراسر جهان در یک سال زراعی است. آمارهای سازمان غذا و کشاورزی نشانگر این است که بیشترین غذای اسراف یا هدر داده شده در سراسر جهان، میوه و سبزیجات است.

هدررفت غذا به معنای غیرقابل استفاده شدن آن

ص: ۶۱

۱- انعام/ ۱۴۱؛ اعراف/ ۳۱ .

طی مراحل آماده سازی است؛ اما اسراف یعنی غذای خریداری شده به هر دلیلی به سطل زباله ریخته شود؛ خواه در زمان دور ریختن هنوز قابل استفاده بوده یا اینکه در آن زمان فاسد و غیرقابل بهره برداری شده است.

از نظر رقمی، میزان اسراف و هدررفت غذا در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته تقریباً یکسان است؛ اما مسئله اینجاست که کشورهای در حال توسعه به دلیل فقر تکنولوژیک یا به عبارت دیگر ناتوانی در صنعت، رقم هدررفت بالاتر و کشورهای توسعه یافته اسراف زیادتری دارند که دلیل اصلی آن، نخواستن است، نه نتوانستن.

از کشورهایی که هم مدعی صنعت و اقتصاد برترند و هم مدعی اند که سطح فرهنگی بالاتری دارند، بعید است سالانه ۶۷۰ میلیون تن غذا اسراف کنند؛ اما چنین مسئله ای واقعیت دارد. هر فردی در اروپا یا آمریکای شمالی، سالانه بین ۹۵ تا ۱۱۵ کیلو در هر سال اسراف دارد. این رقم در آفریقا و جنوب آسیا تنها شش تا ۱۱ کیلوگرم است. کشورهای ثروتمند جهان همه ساله ۲۲۲ میلیون تن غذا را اسراف می کنند که این میزان مساوی است با کل میزان غذای تولید شده در کشورهای حوزه صحرای آفریقا.

بد نیست بدانید میزان اسراف آمریکایی ها در یک سال می تواند برای غذای آنها در یک و نیم سال بعد کافی

ص: ۶۲

باشد یا صد بار فضای امپایراستیت (یکی از برج های معروف نیویورک) را پر کند.

حتی گفته می شود اگر آمریکایی ها میزان اسراف خود را فقط ۵ درصد کم کنند، می توان به چهار میلیون نفر در این کشور غذا داد. به این فکر نکنید که غذاهای دورریخته شده و اسراف شده کیفیت پایینی داشته اند. آمارها نشانگر این است که ۵۰ درصد کل تولیدات دریایی شامل ماهی و... در آمریکا هدر می رود.

در همین کشور ۴۰ درصد از گیاهان رشد کرده و رسیده، اساساً مصرف نمی شوند. آمار اسراف در جهان در حال رشد است و گفته شده است ظرف ۴۰ سال، میزان اسراف در آمریکا ۵۰ درصد رشد کرده است.

وضع در کشور ما نیز مناسب نیست. آمارها نشانگر این است که همه ساله بین ۱۰ تا ۳۰ درصد کل نان تولید شده در کشور، اسراف می شود. هم چنین در بخش آب گفته می شود میزان هدررفت در بخش خانگی بین ۲۰ تا ۳۰ درصد است. البته در بخش کشاورزی که بیش از اینها شامل هدررفت آب هستیم. بخشی که ۹۲ درصد از آب کشور را می بلعد. اگر بتوان تمام اینها را کنار گذاشت، نباید از هدررفت زمان در جهان، ساده عبور کرد؛(۱) یعنی

ص: ۶۳

۱- سایت: http://press.jamejamonline.ir/Newspreview

زمان های بیهوده در بخش های مختلف نیز بسیار بیش از حد تصور ماست.

۸. آزار و اذیت

مهم ترین جلوه برای اذیت دیگران در هنگام طبخ غذا، دود و بوی ناشی از پخت آن است که چه بسا موجب اذیت عابرین یا همسایگان گردد. برای حل این معضل می توان از تهویه های مناسب با فیلترهای خاصی که امروزه تعبیه می شود، استفاده کرد و یا زاویه و طول لوله دودکش ها را طوری تغییر داد که دود در فضای بالاتر منتشر گردد و موجب اذیت دیگران نشود.

آیات و روایات و نیز فرمایشات فقها، مملو از سخنان دال بر حرمت اذیت دیگران است. امام باقر(علیه السلام) به شخصی به نام «سلیمان» فرمودند: می دانی مسلمان کیست؟

سلیمان عرض کرد: جانم به قربانت! شما آگاه تر هستید! امام فرمود: مسلمان کسی است که سایر مسلمانان از (شرّ) زبان و دست او راحت باشند. سپس فرمود: آیا می دانی مؤمن کیست؟

عرض کرد: شما داناترید! امام فرمودند: مؤمن کسی است که مردم او را امین بر اموال و جان های خود بدانند. سپس ادامه دادند: حرام است بر مسلمان که بر مسلمان دیگر این کارها را روا دارد: بر وی ظلم و ستم نماید؛ او را

رسوا و بی آبرو سازد؛ و به کار پر مشقت مجبور کند.(۱)

امام صادق(علیه السلام) فرمودند: «الْمُؤْمِنُ مَنْ طَابَ مَكْسَبُهُ وَ حَسُنَتْ خَلِيقَتُهُ وَ صَحَّتْ سَرِيرَتُهُ وَ أَنْفَقَ الْفَضْلَ مِنْ مَالِهِ وَ أَمْسَكَ الْفَضْلَ مِنْ كَلَامِهِ وَ كَفَى النَّاسَ شَرَّهُ وَ أَنْصَفَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ؛(۲)مؤمن کسب حلال دارد؛ دارای اخلاق خوش است؛ باطنی پاکیزه دارد؛ از زیادی مال خود انفاق می کند؛ از زیادی در گفتار خودداری می نماید؛ مردم از شرّ او در امان هستند؛ و نسبت به مردم با انصاف است.»

۹. رعایت بهداشت

در فصل اول، پیرامون لزوم رعایت بهداشت در نگهداری مواد غذایی نکاتی گفته شد. یکی از مواردی که رعایت امور بهداشتی در آن بسیار ضروری است، طبخ غذا می باشد، دلیل مطلب همان است که قبلاً بدان اشاره شد؛ پولی که مشتری در مقابل دریافت غذا می پردازد، مشروط به «بهداشتی» بودن غذاست و این یک شرط ارتکازی است که تمام عقلا بر آن اتفاق نظر دارند. بنابراین، فروشنده اغذیه موظف به تحویل غذای سالم و

۱- کافی، ج ۲، ص ۲۳۳.

۲- همان، ص ۲۳۵.

به دور از میکروب به مشتری است.

بر این اساس، فروشندگان مواد غذایی لازم است در هنگام طبخ به موارد زیر توجه نمایند:

* از زدن دست آلوده به غذا خودداری کنند؛

* حتی الامکان از ارتباط مستقیم دست با مواد غذایی خودداری نموده، از دستکش استفاده نمایند؛

* پس از دستشویی، دست های خود را با صابون بشویند؛

* چنانچه مواد غذایی روی زمین ریخت، آن را از روی زمین جمع نکنند و به خورد مشتریان بدهند؛ بلکه اگر امکان تمیز کردن وجود ندارد، آن را دور بریزند.

* در هنگام طبخ، از مالیدن دست به سایر اعضای بدن خودداری کنند؛

* از مخلوط شدن مواد فاسد یا غیر غذایی، جداً جلوگیری نمایند؛

* گرچه حشرات پاک هستند؛ ولی نشستن آنها بر روی مواد غذایی یا خود غذا، برای بیشتر مردم قابل اغماض نیست، پس در این جهت تدبیری اندیشه شود و در بهداشتی بودن محیط صرف اغذیه تلاش جدی صورت گیرد.

۱۰. رعایت طهارت و نجاست

از اموری که اغـذیه فروشان و بلکه تمام دست انـدر کاران مواد غـذایی در هنگام طبـخ لازم است توجه نمایند، رعایت مسائل پاکی و نجسی می باشد و توجه داشته باشد که:

۱. چنـانچه در حال تهیه غـذا دسـتش بریـد و خونی شـد، به طوری که دست نجس او به مواد غـذایی برخورد می نمایـد، نمی تواند با همان دست به کار خود ادامه دهد؛ بلکه لازم است ابتدا دست خود را تطهیر نموده و یا دستکش به دست کند.

۲. چنـانچه فضـله موش یا هر چیز نجس دیگری داخل غـذا یافت شـد، به طوری که معلوم گردیـد غـذا نجس شـده است، حق ندارد آن غذا را به خورد کسی دهد.

۳. اگر در روغن، شیره، سـس، آبمیوه و چیزهایی از این قبیل که مایع هسـتند، نجسی بیفتد، تمام آن متنجس می گردد و قابل تطهیر نیست.

۴. از آنچه قبلًا به عنوان نجس بر شـمردیم، اجتناب کنـد؛ مثلًا سـگی که در خشـکی زندگی می کند، یکی از نجاسات است، پس اگر به عنوان نمونه دست آشپز یا بـدن سگ خیس بوده و به همدیگر برخورد کرده، دست آشپز نجس شده و لازم اسـت حتماً قبل از اقدام به هر کاری،

دست خود را آب بکشد و هم چنین ظروف و وسایل آشپزی خود را از معرض سگ دور نگهدارد.

۵. طباخی در ظرف نجس نیز جایز نیست و باید قبل از به کار گرفتن ظرف متنجس، آن را شست و چنانچه سگ از ظرفی چیز مایع بخورد یا آب دهانش در آن بریزد، با شستن تنها، پاک نمی شود؛ بلکه ابتدا باید آن را با خاک پاک، خاک مالی کند و سپس با آب قلیل، کرّ یا جاری دو بار و یا بنا بر احتیاط واجب، با آب باران یکبار شستشو شود تا پاک گردد.(۱)

۱۱. پرداخت قبض

از مطالب مهم در معاملات، پرداخت طلب اشخاص حقیقی و حقوقی است. بر این اساس، لازم است همگان بر این قانون پایبند باشند. یکی از اموال عمومی، هزینه قبوض آب، برق، گاز و تلفن است.

سؤال: چنانچه شخصی انشعاب گازش بر خلاف موازین قانونی است، یا به هر روشی بتواند هزینه گاز عمومی را پرداخت ننماید و یا اینکه کپسول گاز و یا هر سوخت دیگر را به طریق غصب و دزدی به دست آورده باشد، غذایی که با این سوخت پخته می شود، چه حکمی خواهد داشت؟

۱- توضیح المسائل امام خمینی(رحمه الله)، ص ۴۱.

جواب: ظاهراً غـذا حرام نمی شود؛ ولی پول آنچه را از سوخت غصبی اسـتفاده نموده است، به صاحبش یا بیت المال بـدهکار می شود و این بـدهکاری بر عهـده او باقی است تا دَین خود را پرداخت یا صاحب حق او را بریء الذمه نماید؛ ولی به هر حال باید توجه داشت که مراجع بزرگوار شیعه مخالفت با قوانین جمهوری اسلامی را جایز نمی شمرند.

۱۲. سفارش طبخ

گاهی کسی یا افرادی، سفارش طبخ غذای خاصی را می نمایند، در این صورت وظیفه اغذیه فروش و آشپز چیست؟

پاسـخ: چنـانچه اغـذیه فروش یـا آشپز آن سـفارش را پـذیرفته باشـد، موظف است به وعـده خود عمـل نموده، با همان ویژگیِ سفارش شـده غذا را آماده کند و در غیر این صورت، معلوم نیست مسـتحق اجرت باشد؛ زیرا اجیر (در بحث ما، آشپز یا اغذیه فروش) وظیفه دارد طبق آنچه با او شـرط شده است، عمل نموده، از محدوده آنچه موجر (سـفارش دهنده غذا) مشـخص کرده است، خارج نشود. علاوه بر اینکه وفا به عهد، بخشی از عظمت روحی و کرامت نفس و دستور قرآنی است که می فرماید:

«أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كانَ مَسْؤُلاً»(۱)؛ «به عهد (خود) وفا کنید که از عهد سؤال می شود!»

البته این هرگز به معنای آن نیست که لازم است اهل معصیت را در گناه خود یاری نمود؛ بلکه چنانچه وعده کار حلالی (مثل پخت و طبخ غذا) به کسی داده شد، باید به وعده عمل نمود؛ چه طرف مقابل شخص خوبی باشد یا نباشد.

امام باقر(علیه السلام) فرمودند: «در سه مورد خداوند رخصت و اجازه تخلف نداده است: رد کردن امانت به صاحب مال؛ چه مالك آن شخص نیکی باشد یا نه. وفای به وعده؛ اعم از اینکه شخص وعده داده شده متقی باشد یا نباشد. نیکی به والدین؛ چه آنها خوب باشند یا نه.»(۲)

۱- اسراء/ ۳۴.

۲- کافی، ج ۲، ص ۱۶۳.

بخش سوم:فروش

اشاره

لازم است در این فصل احکام فروش اغذیه را مطرح نموده، توجه فروشندگان محترم را در این خصوص به مسائلی جلب نماییم:

۱. آشنایی با احکام

این شعار حضرت علی(علیه السلام) است که: «الْفِقْهَ ثُمَّ الْمَتْجَرَ؛ اول آشنایی با احکام معاملات، سپس تجارت.»

اصبغ بن نباته (از اصحاب خاص امیر المؤمنین(علیه السلام) می گوید: از امام علی(علیه السلام) شنیدم که بر فراز منبر دو بار فرمود: «ای بازرگانان! اول آشنایی با احکام، سپس تجارت.» سپس فرمود: «به خدا قسم! ربا در این امت از راه رفتن مورچه بر روی سنگ مخفی تر است. اموال خود را با صدقه حفظ کنید. تاجر فاجر است و فاجر در آتش، مگر

ص: ۷۳

آن که حق بگیرد و حق بپردازد.»(۱) و در حدیث دیگر چنین آمده است: مردی به امیرالمؤمنین(علیه السلام) عرض کرد: ای امیر مؤمنان! می خواهم تجارت کنم. حضرت فرمودند: آیا احکام آن را آموخته ای؟ پاسخ داد: پس از اشتغال به تجارت، احکام شرعی آن را نیز فرا می گیرم! امام فرمود: توجه داشته باش! اول آگاهی، سپس تجارت؛ زیرا کسی که خرید و فروش کند و از حرام و حلال سؤال نکند، آهسته آهسته در ربا فرو خواهد رفت.(۲)

فقها در ابتدای بحث های فقهی خرید و فروش آورده اند: یاد گرفتن احکام معاملات به قدر نیاز، لازم (واجب) است.(۳) پس کسی که وارد معاملات می شود، می بایست قبل از هر چیز احکام آن را فرا گرفته، از آگاهی های فقهی در زمینه احکام خرید و فروش بهره مند گردد.

آشنایی با احکام داد و ستد دارای فواید زیر است:

۱. عمل به وظیفه؛ زیرا یاد گرفتن احکام یک تکلیف عمومی است که ائمه(علیهم السلام) و به دنبال آن فقها برای همگان و از جمله برای طرفین در معامله مشخص نموده اند.

۲. دوری از وقوع و ارتکاب حرام ها.

۱- من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۹۴.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۲۴۷.

۳- توضیح المسائل محشی، ج ۲، ص ۱۹۴.

۳. مصون ماندن از ربا؛ چراکه برخی از مصادیق ربا دقیق بوده و جز برای آشنایان با احکام الهی، روشن نمی گردد و در ثانی، رباخور، گرچه نداند که مالش از رباست، مال حرام اثر خود را بر وی و خانواده اش می گذارد.

۴. حفظ حقوق شرعی طرفین معامله.

۲. عمل به احکام

پس از آشنایی با احکام معاملات، لازم است طرفین معامله به وظیفه خود عمل نموده، خود را از وقوع در حرام حفظ کنند؛ زیرا به کار بستن و عمل به احکام شرعی نه تنها سبب محروم شدن از روزی نمی شود؛ بلکه برکت خداوند متعال را نازل می کند و درآمد حرام، نه تنها سبب زیاد شدن روزی نمی گردد؛ بلکه وی را از نعمت های خداوند بی نصیب نموده، آتش دوزخ را در پی خواهد داشت.

پیامبر اکرم(صلّی الله علیه و آله) می فرمایند: «لَحْمٌ نَبَتَ مِنَ الْحَرَامِ فَالنَّارُ أَوْلَى بِهِ؛(۱)گوشت بدنی که از حرام رشد نموده است، آتش (جهنم) برای آن سزاوارتر است.»

بنابراین، تجارت کنندگان گرامی موظف هستند

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۲۰۸.

«قطـار خریـد و فروش» را تنها بر «ریل حلال الهی» حرکت داده، خود و خانوده خویش را از برکات خداونـد خیر الرازقین بهره مند سازند.

۳. غذای حرام

چنانچه صاحب غـذا در هنگام فروش متوجه شود که غـذا حرام است (چه به خاطر متنجس بودن و یا هر علت دیگری) بایـد از فروش آن خودداری کند و اگر مشتریان مشغول خوردن غذا هستند، لازم است به آنان اطلاع دهد تا دست بکشند و مشتریانی که غذا را با خود بیرون برده اند، اگر آنها را می شناسد، لازم است به ایشان نیز اطلاع دهد.

۴. ماه مبارک رمضان

سؤال: آیا فروش اغذیه در روز ماه مبارک رمضان جایز است؟

پاسـخ: به طور مسلّم بـاز بودن فروشـگاه های اغـذیه آماده و ارائه غـذا به طور رسـمی در روز ماه مبارک رمضان به مشتریان، مصداق هتک حرمت احکام خداوند به شمار رفته، تعدّی و تجاوز از حدود خداوند محسوب می گردد و جایز نیست.

ص: ۷۶

۵. معامله با کودکان

بلوغ، شرط در صحت معاملات است، لذا:

۱. معامله با بچه نابالغ باطل است، اگرچه پدر یا جدّ او اجازه داده باشند که معامله کند.

۲. اگر بچه ممیّز باشد و چیز کم قیمتی را که معامله آن برای بچه ها متعارف است، معامله کند، اشکال ندارد.

۳. اگر طفل وسیله ای باشد که پول را به فروشنده بدهد و جنس را به خریدار برساند یا برعکس (چون واقعاً دو نفر بالغ با یکدیگر معامله کرده اند) چنین معامله ای صحیح است، البته باید فروشنده و خریدار یقین داشته باشند که طفل جنس و پول را به صاحب آن می رساند.(۱)

البته برای اطلاع از تفصیل بیشتر این مسئله، لازم است فروشندگان محترم به رساله مرجع تقلید خویش مراجعه نموده، کسب تکلیف نمایند.

۶. معامله با دیوانه

معامله با دیوانه باطل است؛ زیرا او در هنگام خرید و فروش توجه و قصد ندارد. فقها یکی از شرایط صحّت معاملات را «عقل» دانسته اند و می فرمایند: برای فروشنده و خریدار شش چیز شرط است:

۱- توضیح المسائل امام خمینی(رحمه الله) ، ص ۴۲۷، مسئله ۱۹۷۴.

اوّل آنکه بالغ باشند؛

دوم آنکه عاقل باشند؛

سوم آنکه حاکم شرع آنان را از تصرّف در اموالشان جلوگیری نکرده باشد؛

چهارم آنکه قصد خرید و فروش داشته باشند، پس اگر مثلاً به شوخی بگوید: مال خود را فروختم، معامله باطل است؛

پنجم آنکه کسی آنها را مجبور نکرده باشد؛

و ششم آنکه جنس و عوضی را که می دهند، مالک باشند (یا مثل پدر و جدّ صغیر، اختیار مال در دست آنان باشد).(۱)

البته گرچه داد و ستد با دیوانه باطل است؛ اما بخشیدن غذا یا هر مال دیگر به طور رایگان به وی اشکال ندارد.

۷. اختلاط زن و مرد

گاهی مشاهده می شود در محل فروش اغذیه زن و مرد مختلط هستند، به گونه ای که ازدحام حاضرین سبب نگاه یا حرام های دیگر می شود. در این میان، چه بسا افراد آلوده به گناه مکان های پر ازدحام را بهانه یا زمینه معصیت

۱- توضیح المسائل محشی، ج ۲، ص ۲۱۶.

خود قرار می دهند که لازم است فروشندگان محترم محل کسب و کار خود را از آلودگی به گناه پاک سازند تا کارشان برکت یابد.

خدای متعال می فرماید: «وَ لَوْ أَنَ أَهْلَ الْقُری آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنا عَلَیْهِمْ بَرَکاتٍ مِنَ السَّماءِ وَ الْأَرْضِ وَ لکِنْ کَذَّبُوا فَأَخَذْناهُمْ بِما کانُوا یَکْسِبُونَ»(۱)؛ «و اگر اهل شهرها و آبادی ها، ایمان آورده، تقوا پیشه می کردند، برکات آسمان و زمین را بر آنها می گشودیم؛ ولی (آنها حق را) تکذیب کردند، ما نیز آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم.»؛ که یکی از این مجازات ها، بردن برکت از کسب است؛ چه خود شخص معصیت کار باشد و چه زمینه را برای معصیت دیگران فراهم سازد.

۸. شوخی با نامحرم

از دیگر مسائلی که در هنگام فروش اجناس و از جمله فروش اغذیه یادآوری آن ضروری است، شوخی نامحرمان با یکدیگر است. باید توجه داشت که ائمه(علیهم السلام) ما را از این کار منع کرده اند.

ابوبصیر (از اصحاب امام باقر و صادق(علیه السّلام) که نابینا

۱- اعراف/ ۹۶.

بود) می گوید: من برای خانمی کلاس خصوصی درس قرآن داشتم. روزی با او شوخی کردم. پس از مدتی خدمت امام باقر(علیه السلام) رسیدم. آن حضرت مرا سرزنش نموده، فرمود: کسی که در خلوتِ خود مرتکب گناه گردد، خداوند به او اعتنایی نخوهد کرد. آن گاه فرمود: به آن زن چه گفتی؟! من از خجالت چهره خود را پوشانده و توبه کردم. امام فرمود: دیگر تکرار نشود!(۱)

باید به دو نکته در این رابطه توجه داشت:

الف) بسیاری از مواقع شیطان با وسوسه، ابتدا شوخی کردن بین نامحرمان را رواج می دهد و پس از اینکه حیای بین آنان را برداشت، ارتباط غیرشرعی را نیز برای آنان تسویل(۲) می کند.

ب) برخی افراد ممکن است روزهای اول در برابر نامحرم خویشتن داری کنند و از هرگونه ارتباط غیرشرعی خود را حفظ نمایند؛ ولی کم کم و مخصوصاً با حضور افراد (نامحرمان) مغرض که با انواع وسایل آرایشی و

۱- الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۵۹۴.

۲- تسویل به معنای زیبا جلوه دادن کار زشت و گناه است؛ که از جمله کارهای شیطان زیبا جلوه دادن اعمال زشت است. خدای متعال در قرآن کریم می فرماید: «وَ زَیَّنَ لَهُمُ الشَّیْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِیلِ فَهُمْ لاَ یَهْتَدُونَ»؛ «و شیطان اعمالشان را برایشان آراسته و آنان را از راه [راست] بازداشته بود، در نتیجه [به حق] راه نیافته بودند.» نمل/ ۲۴.

عشوه گری ها پیش می آیند، شخص را منحرف سازند، پس باید از همان آغاز راه هرگونه شوخی و سوءاستفاده را ببندند.

۹. کم فروشی

مقصود از کم فروشی این است که فروشنده کمتر از مقدار توافق شده با مشتری یا کمتر از مقدار متعارف، غذا در اختیار مشتری بگذارد. در این جهت فرقی نیست که از کمیّت غذا بکاهد یا از کیفیّت آن.

جالب است بدانیم که در قرآن کریم، سوره ای به نام «مطففین» به معنای کم فروشان، اختصاص یافته است. در این سوره می فرماید: «وَيْلٌ لِلْمُطَفِّفينَ الَّذينَ إِذَا اكْتالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ وَ إِذا كالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ أَلا يَظُنُّ أُولئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ لِيَوْمٍ عَظيمٍ يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعالَمينَ»(۱)؛ «وای بر کم فروشان! آنان که وقتی برای خود پیمانه می کنند، حق خود را به طور کاملاً می گیرند؛ اما هنگامی که می خواهند برای دیگران پیمانه یا وزن کنند، کم می گذارند! آیا آنها گمان نمی کنند که روزی برانگیخته می شوند؟ در روزی بزرگ! روزی که مردم در پیشگاه

۱- مطففین / ۱ — ۶.

پروردگار جهانیان می ایستند!»

و در جای دیگر می فرماید: «وَ أَوْفُوا الْکَیْلَ وَ الْمیزانَ بِالْقِسْطِ»(۱)؛ «و حق پیمانه و وزن را به عدالت ادا کنید!»

۱۰. گران فروشی

سؤال: آیا گران فروشی حرام است؟

پاسخ: گرچه گران فروشی حرام نیست؛ زیرا فروشنده و خریدار اختیار ملک خود را دارند و به هر قیمت که به توافق برسند، می توانند معامله نمایند؛ اما تذکر سه نکته لازم است:

۱. گران فروشی خلاف انصاف و اخلاق است و موجب بی برکتی کسب می شود. فقها فرموده اند: مستحب است فروشنده سود معامله خود را بین مشتریان توزیع نماید، نه اینکه به یک نفر گران و به یک نفر ارزان بفروشد. و چنانچه فروشنده سود امروز خود را به دست آورد، از مشتریان دیگر سود دریافت ننماید.(۲)

۲. اگر مشتری پس از خرید متوجه شد که جنس را گران تر از بازار خریده است، می تواند معامله را به هم بزنند.

۱- انعام/ ۱۵۲.

۲- اللمعه الدمشقیه فی فقه الامامیه، ص ۱۰۹: «یستحب تَرْکُ الرِّبْحِ عَلَی الْمُؤْمِنِینَ إِلَّا مَعَ الْحَاجَهِ فَیَأْخُذُ مِنْهُمْ نَفَقَهَ یَوْمٍ مُوَزَّعَهً عَلَی الْمُعَامِلِینَ».

همان طور که اگر فروشـنده به دلیل عدم اطلاع متوجه گردد جنس را ارزان تر از قیمت بازار فروخته است، می تواند معامله را به هم بزند.(۱)

۳. جواز گران فروشـی مربوط به شـرایط عادی است؛ اما اگر امر فوق العاده ای رخ دهد، مثل اینکه حاکم شرع حکم نماید، یا حکومت اسلامی که تحت نظارت مجتهد

جامع الشرایط است، قوانینی را تصویب نماید، صورت مسئله تغییر خواهد کرد.

۱۱. فاسد بودن غذا

سؤال: اگر فروشـنده غـذای فاسد را بفروشد و مشتری بر اثر خوردن آن مریض شود یا فوت کند، آیا فروشـنده ضامن و مدیون است یا نه؟

پاسخ: این مسئله دارای دو صورت می باشد:

اول: فروشـنده می دانسـته غـذا فاسد است؛ در این صورت چنانچه خسارتی بر مشتری یا هر شـخص دیگری وارد شود، به طور مسلّم فروشنده یا دست اندر کاران تولید غذا ضامن و مدیون واقع می شوند.

دوم: فروشنده از فاسد بودن غذا بی اطلاع بوده است؛ در این صورت ظاهراً فروشنده مدیون نیست؛ چراکه نقشی

۱- از این گونه جواز بر هم زدن معامله در کتاب های فقهی به «خیار غَبن» تعبیر می شود.

در آسیب مشتریان نداشته است؛ ولی برای اطلاع بیشتر باید به رساله یا فتوای مرجع تقلید خود مراجعه شود.

۱۲. مستحبات فروش

فقهای بزرگوار برای فروشندگان و مشتریان آداب و مستحباتی را مطرح نموده اند که این احکام مختص به فروش اغذیه نبوده؛ بلکه شامل تمام معاملات می شود. برخی از آن مستحبات عبارتند از:

۱. یادگیری احکام معاملات؛

۲. یکسان برخورد نمودن فروشنده با مشتریان؛

۳. چنانچه یکی از دو طرف (فروشنده و مشتری) تقاضای فسخ معامله را نمود، طرف مقابل بپذیرد؛

۴. ترک قسم از جانب فروشنده و مشتری؛

۵. زینت نکردن کالا بیش از حد؛

۶. یادآور شدن نقص کالا، چنانچه معیوب است؛

۷. عدم دقت بیش از حد، مثلاً گاهی مشاهده می شود که فروشنده هنگام وزن کردن، در یک یا دو گِرَم نیز حساسیت نشان می دهد؛ بلکه مستحب است فروشنده مقدار کالا را بیشتر پرداخت نموده و از مشتری کمتر از مقدار توافق دریافت نماید (البته برای مشتری عکس این مطلب مستحب است.)؛

۸. از کالای خود زیادی تعریف نکند؛

۹. به مقـدار مخارج همان روز خود سود بر جنس دریافت کنـد و زمانی که مخارج آن روزش به دست آمـد، از آن پس سود نگیرد؛

۱۰. چنانچه به کسـی وعـده احسان و نیکی داده است (مثل اینکه به شخصـی بگوید: اگر به مغازه من مراجعه کنی، مراعات تو را خواهم نمود) از آن شخص سود دریافت نکند؛

۱۱. با افراد پَست و نیز کسانی که اموال آنان شبهه ناک است، معامله نکند؛

۱۲. چنانچه بین دو نفر صحبت های مقدماتی داد و ستد رد و بدل می شود، خود را وارد معامله آنان نکند.

بخش چهارم:مشتریان

اشاره

آخرین فصل این مجموعه را به احکام مراجعه مشتریان به مراکز اغذیه فروشی و خرید غذا اختصاص می دهیم.

۱. شک در حِلیّت

سؤال: چنانچه مشتری در حلال و حرام بودن غـذای فروشـنده شک داشـته باشد، تکلیف او چیست؟ آیا می تواند از وی خرید نماید؟

پاسخ: در فرض سؤال، می تواند از او خرید نماید و بنا را بر «حِلّیّت» بگذارد. در بنا بر حلال بودن، فرقی بین اقسام شک وجود ندارد:

* آیا اغذیه فروش از حیوان حلال گوشت استفاده کرده یا حرام گوشت؟

* آیا حیوان حلال گوشت را طبق دستور شرع ذبح کرده اند یا نه؟

* آیا در غذا، از اجزای حلال حیوان استفاده شده یا از

ص: ۸۹

اجزای حرامش؟

* آیا غذا نجس است یا پاک؟

* آیا مواد غذایی مال مردم است یا اینکه از خود اغذیه فروش می باشد؟

* در صورت شراکتی بودن اغذیه فروشی، آیا فروشنده از شریک خود اجازه فروش دارد یا نه؟

و...

در تمام موارد فوق بنا بر حلال و پاک بودن غذا گذاشته شده، خرید اغذیه از فروشگاه یا مغازه مورد نظر جایز است؛ زیرا مسلمانان باید به یکدیگر خوش گمان بوده، در موارد شک در عمل یکدیگر، آن عمل را حمل بر صحت نمایند. از این قانون به «صحّتِ کار مسلمان» و یا «حجیت بازار مسلمین» تعبیر می شود.

«قُتاده» از امام صادق(علیه السلام) پرسید: آیا می توان از بازار مسلمانان پنیر(۱) خریداری و استفاده کرد؟ امام فرمود: «فَاشْتَرِ الْجُبُنَّ مِنْ أَسْوَاقِ الْمُسْلِمِینَ مِنْ أَیْدِی الْمُصَلِّینَ وَ لَا تَسْأَلْ عَنْهُ إِلَّا أَنْ یَأْتِیَکَ مَنْ یُخْبِرُکَ عَنْهُ؛(۲) از بازار مسلمانان (که مشهور به اسلام و نماز هستند) پنیر خریداری کن و

۱- با توجه به اینکه در آن زمان، مایه پنیر را از ماده ای که از معده گوساله و بزغاله به دست می آمد، می گرفتند و در برخی موارد در این زمینه از حیوان مرده نیز استفاده می کردند، لذا برای قتاده این سؤال پیش آمده بود.

۲- کافی، ج ۶، ص ۲۵۶.

سؤال و تفحص از حلال و حرام بودن آن نکن، مگر اینکه در موردی خبر معتبر آورده شود که فلان پنیر حرام است.»

امام صادق(علیه السلام) در اهمیت حمل فعل مسلمان بر صحت می فرمایند: «لَوْ لَمْ یَجُزْ هَذَا لَمْ یَقُمْ لِلْمُسْلِمِینَ سُوقٌ؛[(۱)] اگر حمل بر صحت جاری نشود، بازاری برای مسلمین بر پا نخواهد شد.»

دو نکته:

اول: آنچه گفته شد، در صورت «شک» بود؛ ولی اگر مشتری به هر دلیلی یقین کرد که غذای فروشنده حرام است، نمی تواند از او خریداری کند.

دوم: در لزوم توجیه و حمل کار مسلمان بر صحت و نیز حجیت بازار مسلمانان، فرقی نیست

بین اینکه فروشنده پیرو کدام یک از مذاهب اسلامی[(۲)] باشد.

۲. شک در دین

اشاره

در شهرهای بزرگ، غالباً فروشنده و مشتری یکدیگر را نمی شناسند. بر این اساس، ممکن است مشتری در

۱- همان، ج ۷، ص ۳۸۷.

۲- یعنی فرقی بین شیعه، شافعی، حنفی، حنبلی، مالکی، زیدی و... وجود ندارد.

مسلمان بودن فروشنده شک کند؛ زیرا چنانچه قبلاً (در فصل اول) ذکر شد، یکی از نجاسات، شخص کافر است. اینک سؤال این است که: در این فرض، آیا تفحص از دین فروشنده لازم است یا خیر ؟

پاسخ: این مسئله دارای دو صورت می باشد:

الف) مملکت اسلامی:

مقصود از مملکت اسلامی این است که اشخاصی (نه حاکمان و دولت) که در آن کشور زندگی می کنند، مسلمان هستند.(۱) در این صورت، بنا بر مسلمان بودن فروشنده گذاشته می شود و تفحص لازم نیست.

به این استفتا که از امام خمینی(رحمه الله) صورت گرفته است، توجه کنید:

س: شخصی که دین او مشخص نیست و از کشور دیگری برای کار وارد کشور اسلامی شده و مغازه اغذیه فروشی دایر کرده و کار او فروش مواد خوراکی است، هنگام فروش، ماده غذایی با بدن او که رطوبت مسریه(۲) دارد، تماس

پیدا می کند، آیا باید از او درباره دینش سؤال کرد یا اینکه اصل پاک بودن اشیاء جاری می شود؟

ج: سؤال از دین او واجب نیست و اصلِ طهارتِ اشیاء

۱- اعم از اینکه شیعه باشند یا غیر آن.

۲- سرایت کننده.

نسبت به وی و چیزی که با وجود رطوبت با بدن او در تماس است، جاری می شود.(۱)

ب) مملکت کفر:

در این صورت تفحص از دین فروشـنده لازم است، مگر اینکه انسان یقین کنـد که در غـذا، از حیوانات تهیه نشـده است (زیرا ذبـح شـرعی نشده) و نیز احتمال دهد که دست فروشـنده به غذا برخورد نکرده است.(۲) بـا این دو شـرط، گرچه یقین به کفر فروشنده اغذیه داشته باشد، خریداری از او اشکال ندارد.

۳. اطلاع رسانی

سؤال: چنانچه مشتری وارد فروشـگاه مواد غذایی شد و چیز نجسـی را مشاهده کرد، اطلاع دادن به فروشنده یا سایر مشتریان بر او واجب است یا خیر؟

ج: این سؤال کلی است و باید جزیی تر شده، زوایای هر قسـمت از مطلب کاملاً روشن گردد. از این رو، سؤال مزبور را به سه سؤال ریزتر تبدیل نموده، پاسخ هر یک را به طور مستقل توضیح می دهیم:

۱. چنانچه مشتری وارد مغازه شود و ملاحظه کند

۱- توضیح المسائل محشی، ج ۱، ص ۱۴۴.

۲- مقصود، برخورد سرایت کننده است، مثل اینکه دست یا غذا خیس باشد.

قسمتی از فروشگاه یا یکی از ابزار داخل آن نجس است، آیا لازم است فروشنده و صاحب مغازه را مطلع سازد؟

ج: اطلاع دادن لازم نیست.

۲. چنانچه مغازه یا یکی از اثاثیه های داخل آن توسط مشتری نجس شود، باید به فروشنده و مالک آن فروشگاه اطلاع دهد یا خیر؟

ج: اصولاً اطلاع رسانی در مورد نجس بودن اشیاء لزومی ندارد، مگر آنکه شخص چیزی را نجس کرده باشد که در خوردن و آشامیدن یا ظروف مرتبط با غذا به کار می رود که در این صورت اطلاع دادن لازم است.

همین سؤال در مورد میهمان از محضر مراجع تقلید صورت گرفته است که اگر میهمان یکی از اثاثیه های میزبانش را نجس کند، مطلع کردن میزبان واجب است یا نه؟ فقها پاسخ داده اند: اطلاع دادن در غیر از خوردنی و آشامیدنی و ظرف های غذا، لازم نیست.(۱)

۳. اگر مشتری ملاحظه کند غذا نجس است، آیا لازم است به فروشنده یا بقیه مشتری ها اطلاع دهد؟

ج: لازم نیست و بلکه نباید به فروشنده و سایر مشتریان اطلاع دهد؛ بلکه فقط خودش نباید از آن غذا بخورد یا استفاده کند.

۱- توضیح المسائل محشی، ج ۱، ص ۱۴۱.

۴. سفارش غذا

اگر مشتری سفارش غذا داد و به فروشنده قول دهد که در فلان ساعت برای بردن آن اقدام می کند، موظف است در موعد مقرر مراجعه نموده، غذای خود را تحویل بگیرد.

اما سؤال این است که در صورت تأخیر، آیا فروشنده می تواند آن غذا را به دیگری بفروشد؟

ج: اگر ماندن غذا سبب فاسد شدن و یا افت آن می گردد، فروشنده می تواند آن غذا را به دیگری بفروشد؛ گرچه مشتری بیعانه یا تمام پول غذا را داده باشد.(۱)

۵. وارد کردن خسارت

اگر مشتری بر فروشگاه یا مغازه یا یکی از ابزار و وسایل آن، خسارت و ضرری وارد کند، مدیون و موظف به جبران خسارت است. و هم چنین اگر یکی از وسایل اغذیه فروشی را سرقت نماید.

یادآوری چند نکته:

۱. در حکم مزبور (لزوم جبران خسارت)، فرقی نیست بین اینکه تلف کننده بالغ باشد یا نابالغ.

۲. هم چنین در حکم ذکر شده تفاوتی بین عمدی و سهوی نیست. مثلاً اگر سهواً ظرف از دست مشتری بیفتد

۱- یکی از موارد جواز فسخ معامله «خیار ما یفسد لیومه» است.

و بشکند، باز هم باید خسارت آن را بپردازد.

۳. چنانچه صاحب جنس تلف شده، تلف کننده را ببخشد، چیزی بر عهده تلف کننده نیست.

س: راه جبران خسارت چیست؟

ج: تلف شدن جنس دارای چند صورت است که حکم هر یک با دیگری تفاوت دارد:

الف) صورت اول این است که خود آن جنس بدون نقص وجود دارد (مثل اینکه جنس را سرقت نموده و الآن نیز آن را در اختیار دارد)؛ در این مورد باید همان جنس را عیناً به صاحبش برگرداند.

ب) یا اینکه بر جنس خسارتی وارد شده و معیوب گردیده؛ اما قابل اصلاح است؛ در این صورت لازم است کسی که خسارت را وارد نموده، هزینه اصلاح آن را بپردازد.

ج) و یا جنس، به طور کلی تلف شده باشد؛ در این مورد چنانچه مثل آن در بازار یافت می شود، باید مثل آن پرداخت شود؛ وگرنه باید قیمت آن جنس پرداخت گردد.(۱)

۶. آداب خوردن و آشامیدن

اشاره

فقها برای خوردن و آشامیدن آدابی را طبق روایات بیان فرموده اند که در رساله های عملیه بخشی از آنها

۱- این ترتیب بندی از امور مورد اتفاق فقها به شمار می رود.

مطرح شده است. این آداب شامل دو بخش مستحبات و مکروهات است.

مستحبات خوردن و آشامیدن

در توضیح المسائل فقها پیرامون مستحبات خوردن و آشامیدن چنین می خوانیم:

«چند چیز در غذا خوردن مستحبّ است:

هر دو دست را پیش و بعد از غذا بشوید و با دستمال خشک کند؛

میزبان پیش از همه شروع به غذا خوردن کند و بعد از همه دست بکشد؛

پیش از غذا ابتدا میزبان دست خود را بشوید، بعد کسی که طرف راست او نشسته و همین طور تا برسد به کسی که طرف چپ او نشسته و بعد از غذا ابتدا کسی که طرف چپ میزبان نشسته دست خود را بشوید و همین طور تا به طرف راست میزبان برسد؛

هنگام شروع غذا «بسم اللَّه» بگوید؛ ولی اگر سر یک سفره چند نوع غذا باشد، در وقتِ خوردن هر کدامِ آنها، گفتن «بسم اللَّه» مستحبّ است؛

با دست راست غذا بخورد؛

اگر با دست و بدون قاشق غذا می خورد، با سه

انگشت یا بیشتر غذا بخورد و با دو انگشت نخورد؛

اگر چند نفر سر یک سفره نشسته اند، هر کسی از غذای جلوی خودش بخورد؛

لقمه را کوچک بردارد؛

سر سفره زیاد بنشیند و غذا خوردن را طول بدهد؛

غذا را خوب بجود؛

بعد از غذا خداوند عالَم را حمد کند؛

چنانچه با دست غذا خورده، انگشت هایش را بلیسد؛

بعد از غذا خلال نماید؛ ولی با چوب انار و چوب ریحان و نی و برگ درخت خرما خلال نکند؛

آنچه بیرون سفره می ریزد، جمع کند و بخورد؛ ولی اگر در بیابان غذا بخورد، مستحبّ است آنچه می ریزد، برای پرندگان و حیوانات بگذارد؛

در اول روز و ابتدای شب غذا بخورد و در بین روز و بین شب غذا نخورد؛

بعد از خوردن غذا به پشت بخوابد و پای راست را روی پای چپ بیندازد؛

در آغاز و آخر غذا قدری نمک بخورد؛

میوه را پیش از خوردن، با آب بشوید.(۱)

ص: ۹۸

۱- توضیح المسائل محشی، ج ۲، ص ۱۰۵.

مکروهات خوردن و آشامیدن

در حال سیری غذا خوردن؛

پر خوردن؛

خوردن و آشامیدن برای جنب، مگر آنکه اول قدری آب مضمضه(۱) و استنشاق(۲) نماید؛

زیاد نگاه کردن به صورت دیگران در موقع غذا خوردن؛

خوردن غذای داغ؛

فوت کردن چیزی که می خورد یا می آشامد؛

بعد از گذاشتن نان در سفره، منتظر چیز دیگر شدن؛

پاره کردن نان با کارد؛

گذاشتن نان زیر ظرف غذا؛

پاک کردن گوشتی که به استخوان چسبیده، به طوری که چیزی در آن نماند؛

پوست کندن میوه؛(۳)

دور انداختن میوه، پیش از آنکه کاملاً آن را بخورد.(۴)

۱- داخل کردن آب در دهان و گرداندن و سپس بیرون ریختن.

۲- داخل کردن آب در بینی و سپس بیرون ریختن.

۳- ولی با توجه به آنچه گفته می شود که در زمان ما مواد شیمیایی تزریق شده به گیاهان در زیر پوست آن جمع می شود، و یا سموم پاشیده شده روی پوست میوه ها می نشیند، جریان حکم مزبور معلوم نیست.

۴- توضیح المسائل محشی، ج ۲، ص ۶۰۸.

مستحبات آشامیدن آب

چیزهایی که موقع آب آشامیدن مستحب است:

آب را به طور مکیدن بیاشامد؛

در روز ایستاده آب بخورد و در شب نشسته؛

پیش از آشامیدن آب «بسم الله» و بعد از آن «الحمد لله» بگوید؛

در سه نفس آب بیاشامد؛

از روی میل آب بیاشامد؛

بعد از آشامیدن آب، ابا عبدالله الحسین و اهل بیت ایشان(علیهم السلام) را یاد و قاتلان آن حضرت را لعن نماید.

مکروهات آشامیدن آب

زیاد آب آشامیدن؛

آشامیدن آب بعد از غذای چرب؛

آب آشامیدن ایستاده در شب و نشسته در روز؛

آشامیدن آب با دست چپ؛

آشامیدن آب از جای شکسته ظرف و جایی که دسته آن قرار دارد.

ص: ۱۰۰

بخش پنجم:روایات آداب خوردن و آشامیدن

اشاره

ص: ۱۰۲

مقدمه

پنجمین فصـل کتـاب را به ذکر برخی از روایـات وارده در آداب خوردن و آشامیـدن اختصاص می دهیم. طرح این روایات به چند جهت مناسب می باشد:

۱. احادیث معصومین(علیهم السلام) نور بوده و سبب تبرّک در هر گفتار و نوشتاری است؛

۲. در روایات نکاتی جالب وجود دارد که توجه به هر یک از آنها بخشـی از تولیـد علم به شـمار رفته، زاویه جدیـدی را برای اذهان می گشاید؛

۳. یـادآوری احـادیث بیـانگر جـامعیت دین مـبین اسـلام بـوده و نشـانگر این نکته است که چگونه بزرگـان دین به تمـام ابعـاد وجودی بشر احاطه داشته و ریزه کاری های اغذیه را نیز مدّ نظر داشته اند؛

۴. روایات حاکی از این مطلب است که آن بزرگواران در

مورد خوردن و آشامیدن، ما را به چند نکته (در عرض هم) توجه داده اند که:

الف) خوردن و آشامیدن و پرهیز از رهبانیت غلط؛

ب) نکات بهداشتی و پزشکی در هنگام خوردن و آشامیدن که جامعه آن زمان و حتی زمان ما کمتر به آنها توجه داشته و دارند؛

ج) خواص و عوارض خوردنی ها و نوشیدنی ها؛

د) لزوم تنوع غذایی و تعمیم در استفاده از حلال ها که خداوند برای بشر آفریده است؛

ه‍-) فرهنگ و ادب و باورهای دینی و ایمانی.

نمونه هایی را در این زمینه به عنوان شاهد مطرح می نماییم:

۱. یاد خدا و بر زبان جاری کردن «بسم الله الرحمن الرحیم» در ابتدای غذا خوردن؛

۲. حمد و تشکر از خداوند در پایان غذا؛

۳. یاد کردن شهادت و تشنگی حضرت سید الشهدا(علیه السلام) به هنگام نوشیدن آب؛

۴. ادبِ نشستن در هنگام تناول غذا؛

۵. خودداری از اسراف و پرخوری یا مصرف های نادرست و....

اینک با استمداد از خدای متعال، احادیثی را در این

فصل مطرح می نماییم:

۱. نکات طبّی:

اصبغ بن نباته (از یاران حضرت علی(علیه السلام)) می گوید: شنیدم امیر المؤمنین(علیه السلام) به فرزندش امام حسن(علیه السلام) می فرمود: آیا میل داری چند نکته را که به وسیله آنها از طبابت بی نیاز شوی، بیان کنم؟ امام مجتبی(علیه السلام) پاسخ دادند: آری!

حضرت فرمودند:

بر سفره طعام حاضر نشو (غذا نخور)، مگر اینکه گرسنه باشی؛

از غذا دست نکش، مگر آنکه هنوز اشتها داری (یعنی کاملاً خود را سیر نکن)؛

هنگام غذا خوردن کاملاً آن را بجو؛

قبل از خواب دستشویی برو.

آنگاه ادامه دادند: چنانچه بر این چهار امر مواظبت نمایی، از پزشک بی نیاز خواهی شد. سپس فرمود: در قرآن آیه ای وجود دارد که تمام طبابت در آن جمع شده است، آنجا که می فرماید:(۱)

ص: ۱۰۵

۱- «قَالَ الْأَصْبَغُ بْنُ نُبَاتَهَ: سَمِعْتُ أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ(علیه السلام) یَقُولُ لِابْنِهِ الْحَسَنِ(علیه السلام): یَا بُنَیَّ! أَلَا أُعَلِّمُکَ أَرْبَعَ کَلِمَاتٍ تَسْتَغْنِی بِهَا عَنِ الطِّبِّ؟ فَقَالَ(علیه السلام): بَلَی. قَالَ(علیه السلام): لَا تَجْلِسْ عَلَی الطَّعَامِ إِلَّا وَ أَنْتَ جَائِعٌ، وَ لَا تَقُمْ عَنِ الطَّعَامِ إِلَّا وَ أَنْتَ تَشْتَهِیهِ، وَ جَوِّدِ الْمَضْغَ، وَ إِذَا نُمتَ فَأَعْرِضْ نَفْسَکَ عَلَی الْخَلَاءِ، فَإِذَا اسْتَعْمَلْتَ هَذَا اسْتَغْنَیْتَ عَنِ الطِّبِّ. وَ قَالَ(علیه السلام): إِنَّ فِی الْقُرْآنِ لَآیَهً تَجْمَعُ الطِّبَّ کُلَّهُ «کُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لا تُسْرِفُوا»؛ بحار الانوار، ج ۵۹، ص ۲۶۷.

بخورید و بیاشامید؛ ولی اسراف نکنید!»(۱)

۲. ضررهای پرخوری:

لقمان به پسرش چنین فرمود: ای پسرم! آنگاه که معده پر شود، فکر می خوابد و حکمت ناتوان گردد و اعضا از عبادت باز ماند.»(۲)

دانشمندان نیز یکی از علل چاقی - که خود منشأ بسیاری از امراض است - را پرخوری دانسته اند. (۳)

۳. دوازده نکته:

اشاره

پیامبر خدا(صلّی الله علیه و آله) در سفارش به امیر المؤمنین(علیه السلام) چنین فرمودند: دوازده نکته را شایسته است که انسان مسلمان به هنگام تناول طعام فرا گرفته، مراعات نماید که چهار

۱- اعراف/ ۳۱: برداشت نکات متعدد از آیات که چندان ظهوری برای ما ندارد، متوقف بر بیان معصومین(علیهم السلام) می باشد؛ چراکه آن بزرگواران مفسران حقیقی قرآن هستند.

۲- «قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ: يَا بُنَيَّ! إِذَا امْتَلَأَتِ الْمَعِدَهُ نَامَتِ الْفِكْرَهُ وَ خَرَسَتِ الْحِكْمَهُ وَ قَعَدَتِ الْأَعْضَاءُ عَنِ الْعِبَادَه؛ مجموعه ورام، ج ۱، ص ۱۰۲.

۳- پرخوری هم به این اطلاق می شود که انسان در یک وعده زیاد بخورد و هم به اینکه در بین وعده های غذایی نیز دایم در حال خوردن و به اصطلاح ریزه خواری باشد که این پرخوری ها هم انسان را از لحاظ جسمی بیمار می کند و هم طبق روایات موجب قساوت قلب می شود.

نکته آن واجب و چهار مورد سنت (مستحب) و چهار بند دیگر از آداب به شمار می رود؛(۱)

چهار مورد از واجبات خوردن:

۱. بداند چه می خورد (از جهت حلال و حرام یا مُضرّ و غیر مُضرّ بودن)؛

۲. بردن نام خدا به هنگام آغاز تناول غذا؛

۳. حمد و تشکر از خداوند؛

۴. رضایت از روزیی که خداوند نصیب او نموده است.

چهار مورداز سنتهای خوردن:

۱. نشستن بر پای چپ (به طوری که باسن روی زمین قرار گرفته، و تمایل بدن به سمت چپ باشد، مانند نشستن بسیاری از مردم به هنگام خواندن تشهد نماز)؛

۲. غذا خوردن با سه انگشت (در صورتی که با دست غذا می خورد)؛

۱- «فِی وَصِیَّهِ النَّبِیِّ(صلّی الله علیه و آله) لِعَلِیٍّ(علیه السلام) قَالَ: یَا عَلِیُّ! اثْنَتَا عَشْرَهَ خَصْلَهً یَنْبَغِی لِلرَّجُلِ الْمُسْلِمِ أَنْ یَتَعَلَّمَهَا عَلَی الْمَائِدَهِ؛ أَرْبَعٌ مِنْهَا فَرِیضَهٌ وَ أَرْبَعٌ مِنْهَا سُنَّهٌ وَ أَرْبَعٌ مِنْهَا أَدَبٌ؛ فَأَمَّا الْفَرِیضَهُ: فَالْمَعْرِفَهُ بِمَا یَأْکُلُ وَ التَّسْمِیَهُ وَ الشُّکْرُ وَ الرِّضَا، وَ أَمَّا السُّنَّهُ: فَالْجُلُوسُ عَلَی الرِّجْلِ الْیُسْرَی وَ الْأَکْلُ بِثَلَاثِ أَصَابِعَ وَ أَنْ یَأْکُلَ مِمَّا یَلِیهِ وَ مَصُّ الْأَصَابِعِ، وَ أَمَّا الْأَدَبُ: فَتَصْغِیرُ اللُّقْمَهِ وَ الْمَضْغُ الشَّدِیدُ وَ قِلَّهُ النَّظَرِ فِی وُجُوهِ النَّاسِ وَ غَسْلُ الْیَدَیْنِ؛ من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۵۲.

۳. خوردن از طعامی که نزدیک او قرار دارد؛

۴. چنانچه با دست غذا خورده است، انگشتان خود را پس از غذا لیسیده، با دهان تمیز نماید.

چهار مورداز از آداب خوردن:

۱. کوچک گرفتن لقمه؛

۲. جویدن کامل غذا؛

۳. کمتر به چهره دیگران نگریستن؛

۴. شستن دست ها (قبل و بعد از غذا).»

۴. سبزیجات:

احمد بن هارون می گوید: بر امام رضا(علیه السلام) وارد شدم. حضرت درخواست پهن شدن سفره نمودند (و سفره پهن شد)؛ ولی سبزی در آن نبود. امام از تناول خودداری نموده، جوانی را - که سفره را حاضر کرده بود - صدا زدند و فرمودند: مگر نمی دانی از سفره ای که سبزی در آن نباشد، غذا تناول نمی کنم؟ سبزی بیاور! احمد می گوید: آن جوان سبزی را خدمت امام(علیه السلام) آورد، آنگاه حضرت دست به طرف غذا دراز نموده، میل کردند و من نیز با ایشان غذا خوردم.(۱)

۱- مکارم الاخلاق، ص ۱۷۶.

۵. احترام نان:

اشاره

روایات زیادی از معصومین(علیهم السلام) در مورد لزوم نگهداشتن حرمت نان رسیده است. برای حفظ حرمت نان مصادیقی وجود دارد که به بخشی از آنها در ضمن بیان روایات اشاره می نماییم:

الف) قرار نگرفتن نان زیر ظرف غذا:

امام صادق(علیه السلام) سفارش فرمودند که نان را زیر کاسه غذا و ظرف قرار داده نشود.» (۱)

ب) عدم انتظار با آمدن نان:

امام صادق(علیه السلام) فرمودند: نان را احترام کنید! از ایشان سؤال شد: چگونه به نان احترام بگذاریم؟ حضرت پاسخ دادند: وقتی نان (بر سر سفره) حاضر شد، منتظر چیز دیگری نمانید (و غذا را شروع کنید).»(۲)

ج) قطع نکردن نان با چاقو:

از امام رضا(علیه السلام) نقل شده است که فرمودند: نان را با چاقو قطع نکنید؛ بلکه با دست آن را جدا کنید و پیرو

ص: ۱۰۹

۱- «قَالَ أَبُو عَبْدِاللَّهِ(علیه السلام): لَا يُوضَعُ الرَّغِيفُ تَحْتَ الْقَصْعَهِ؛ کافی، ج ۶، ص ۳۰۳.

۲- «قَالَ أَبُو عَبْدِاللَّهِ(علیه السلام): أَكْرِمُوا الْخُبْزَ! قِيلَ: وَ مَا إِكْرَامُهُ؟ قَالَ(علیه السلام): إِذَا وُضِعَ لَا يُنْتَظَرُ بِهِ غَيْرُهُ؛ همان.

عجم نباشید.» (۱)

عجم تنها به معنای غیر عرب نیست؛ بلکه دارای معانی متعدد می باشد. گمان می رود مقصود از عجم در این روایت، افرادی هستند که دور از تعالیم اسلامی باشند.

د) دور نریختن نان:

از امام صادق(علیه السلام) نقل شده است که: روزی حضرت رسول- فرمودند: گرامی دارید نان را؛ زیرا برای فراهم شدن آن، زمین و آسمان و آنچه بین آن دو است، دخالت داشته و سبب گشته اند. سپس خطاب به جمع حاضر فرمودند: می خواهید ماجرایی برای شما نقل کنم؟ عرض کردند: بلی یا رسول اللّه! پدران و مادران ما فدای شما باد. ایشان فرمود: پیغمبری پیش از این بود که او را «دانیال» می گفتند. او نانی را (به عنوان هدیه) به کشتیبانی تحویل داد. کشتیبان (از روی بی اعتنایی) آن را بر زمین انداخت و گفت: نان تو را می خواهم چه کنم؟! از این نان ها نزد ما فراوان و زیر دست و پا ریخته است و پایمال می شود.

وقتی دانیال این عمل را از او دید، دست به سوی آسمان بلند کرد و گفت: خداوندا! نان را گرامی دار! دیدی

۱- «عَنْ أَبِی الْحَسَنِ الرِّضَا(علیه السلام) قَالَ: لَا تَقْطَعُوا الْخُبْزَ بِالسِّکِّینِ وَلَکِنِ اکْسِرُوهُ بِالْیَدِ وَ خَالِفُوا الْعَجَمَ؛ همان، ص ۳۰۴.

این مرد چه کرد و در حقّ نان چه گفت؟

خداوند وحی نمود به سوی آسمان که باران را از ایشان حبس کن، و نیز وحی نمود به سوی زمین که مانند سنگ سخت باش تا گیاهی از تو نروید.

در نتیجه، باران از ایشان قطع شد و به حدّی قحطی در میان ایشان به وجود آمد که یکدیگر را می خوردند؛ چرا که خداوند می خواست آنان را تأدیب نماید.

تا اینکه روزی دو زن - که هر کدام فرزندی داشتند - قرار گذاشتند که به نوبت هر کدام فرزند خود را بکشد و هر دو از آن بخورند. یک زن به وعده خود عمل کرد؛ ولی دیگری نه. زنی که با خلف وعد مواجه شده بود، شکایت به نزد حضرت دانیال(علیه السلام) آورد. ایشان فرمود: آیا کار به اینجا رسیده است که فرزند خود را می خورید؟! گفتند: بلی، ای پیغمبر خدا؛ بلکه اوضاع از این نیز بدتر شده است.

در این زمان دانیال نبی(علیه السلام) دست به سوی آسمان بلند کرد و گفت: خداوندا! فضل و رحمت خود را برگردان و مؤاخذه نکن! اطفال و بیچارگان را به گناه کشتیبان و امثال او که کفران نعمت کردند، عذاب ننما.

آنگاه خدا به آسمان امر کرد که باران بر زمین ببارد و زمین که برای خلق من خیرات و برکاتی برویان که در این مدت از دست ایشان رفته است؛ زیرا به خاطر طفل

خُردسال بر آنها ترحم نمودم.(۱)

۶. جمع کردن غذای روی زمین:

حسین بن معاویه بن وهب از پدرش نقل می کند که گفت: روزی ما در خدمت امام صادق(علیه السلام) غذا خوردیم. پس از جمع شدن سفره، مقداری غذا از آن افتاد. در این هنگام امام(علیه السلام) آنها را برداشته، تناول نمودند و فرمودند: این کار فقر را از بین می برد و فرزندان را زیاد می کند.» (۲)

۷. نان جو:

امام رضا(علیه السلام) در اهمیّت نان جو فرمودند: برتری نان جو بر نان گندم، مانند برتری ما بر سایر مردم است. هیچ پیامبری نیست، مگر اینکه برای خوردن نان جو دعا کرده و خداوند آن را بر او مبارک گردانیده است. نان جو داخل هیچ معده ای نشد، مگر اینکه دردی را از آن بیرون کرد، و آن غذای انبیا و طعام نیکان است. خداوند نخواسته است، مگر اینکه غذای پیامبران، جو باشد.» (۳)

۱- همان، ج ۱ص ۳۰۲؛ وسائل الشیعه، ج ۲۴، ص ۳۸۳.

۲- «عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُعَاوِیَهَ بْنِ وَهْبٍ عَنْ أَبِیهِ قَالَ: أَکَلْنَا عِنْدَ أَبِی عَبْدِاللَّهِ(علیه السلام) فَلَمَّا رُفِعَ الْخِوَانُ لَقَطَ مَا وَقَعَ مِنْهُ فَأَکَلَهُ ثُمَّ قَالَ لَنَا: إِنَّهُ یَنْفِی الْفَقْرَ وَ یُکْثِرُ الْوَلَدَ؛ کافی، ج ۶، ص ۳۰۰.

۳- «عَنْ أَبِی الْحَسَنِ الرِّضَا(علیه السلام) قَالَ: فَضْلُ خُبْزِ الشَّعِیرِ عَلَى الْبُرِّ کَفَضْلِنَا عَلَى النَّاسِ وَ مَا مِنْ نَبِیٍّ إِلَّا وَ قَدْ دَعَا لِأَکْلِ الشَّعِیرِ وَ بَارَکَ عَلَیْهِ وَ مَا دَخَلَ جَوْفاً إِلَّا وَ أَخْرَجَ کُلَّ دَاءٍ فِیهِ وَ هُوَ قُوتُ الْأَنْبِیَاءِ وَ طَعَامُ الْأَبْرَارِ أَبَى اللَّهُ تَعَالَى أَنْ یَجْعَلَ قُوتَ أَنْبِیَائِهِ إِلَّا شَعِیراً؛ همان، ص ۳۰۴.

۸. منع تکیه دادن هنگام خوردن غذا:

بشیر دهّان (روغن فروش) از امام صادق(علیه السلام) سؤال کرد: آیا پیامبر خدا(صلّی الله علیه و آله) در حال غذا خوردن به طرف راست یا چپ تکیه می دادند؟ حضرت پاسخ دانند: نه، هرگز پیامبر خدا(صلّی الله علیه و آله) در حال غذا خوردن به طرف راست یا چپ تکیه نمی دادند؛ بلکه مانند برده و عبد می نشستند. پرسیدم: چرا پیامبر خدا(صلّی الله علیه و آله) چنین حالتی می نشستند؟ حضرت پاسخ دادند: به علت تواضع در برابر خداوند عزیز و بزرگ.» (۱)

۹. منع حضور بر سفره شراب:

«هارون بن جهمی می گوید: با امام صادق(علیه السلام) در شهر حیره (شهری نزدیک کوفه در آن زمان) بودیم و در همان زمان منصور دوانیقی (دومین خلیفه عباسی) برای مراسم ختنه یکی از بزرگان حیره وارد آن شهر شده بود. امام صادق(علیه السلام) نیز یکی از دعوت شدگان در آن مراسم بودند. (سفره پهن شد؛) ولی در همان زمان که امام صادق(علیه السلام) و

۱- «سَأَلَ بَشِیرٌ الدَّهَّانُ أَبَا عَبْدِاللَّهِ(علیه السلام): هَلْ کَانَ رَسُولُ اللَّهِ- یَأْکُلُ مُتَّکِئاً عَلَی یَمِینِهِ وَ عَلَی یَسَارِهِ؟ فَقَالَ(علیه السلام): مَا کَانَ رَسُولُ اللَّهِ- یَأْکُلُ مُتَّکِئاً عَلَی یَمِینِهِ وَ لَا عَلَی یَسَارِهِ؛ وَلَکِنْ کَانَ یَجْلِسُ جِلْسَهَ الْعَبْدِ. قُلْتُ: وَ لِمَ ذَلِکَ؟ قَالَ(علیه السلام): تَوَاضُعاً لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلّ؛ همان، ج ۱، ص ۲۷۲.

عده ای بر سر سفره بودند، مردی از آن میان آب خواست؛ اما برای او ظرفی آوردند که در آن شراب بود. همین که شراب در دست آن مرد قرار گرفت، امام صادق(علیه السلام) از سر سفره برخاستند. وقتی علت این کار امام(علیه السلام) سؤال شد، حضرت فرمودند: رسول خدا(صلّی الله علیه و آله) فرموده اند: ملعون است کسی که بر سفره ای بنشیند که در آن شراب باشد.(۱)

۱۰. اجابت دعوت مؤمن:

«عَنْ أَبِی عَبْدِاللَّهِ(علیه السلام) قَالَ: إِنَّ مِنْ حَقِّ الْمُسْلِمِ عَلَی الْمُسْلِمِ أَنْ یُجِیبَهُ إِذَا دَعَاهُ؛(۲) امام صادق(علیه السلام) فرمودند: از حقوق مسلمان بر مسلمان دیگر این است که وقتی او را دعوت می کند، بپذیرد.»

۱۱. حضور بر طعام بدون دعوت:

«عَنْ أَبِی عَبْدِاللَّهِ(علیه السلام) قَالَ: إِذَا دُعِیَ أَحَدُکُمْ إِلَی طَعَامٍ فَلَا یَسْتَتْبِعَنَّ وَلَدَهُ فَإِنَّهُ إِنْ فَعَلَ أَکَلَ حَرَاماً وَ دَخَلَ غَاصِباً؛(۳) امام صادق(علیه السلام) فرمودند: وقتی یکی از شما به طعام دعوت می شود، فرزند خود را به همراه نبرد، و چنانچه

۱- همان، ص ۲۶۸؛ «وَ فِی رِوَایَهٍ أُخْرَی مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ جَلَسَ طَائِعاً عَلَی مَائِدَهٍ یُشْرَبُ عَلَیْهَا الْخَمْر».

۲- همان، ج ۶، ص ۲۷۴.

۳- همان، ج ۶، ص ۲۷۰.

این کار را انجام دهد، عملی حرام و غاصبانه انجام داده است.»

۱۲. ترک خوراکی های بو دار:

ابا بصیر نقل می کند که از امام صادق(علیه السلام) در مورد سیر، پیاز و تره سؤال شد، حضرت پاسخ دادند: اشکال ندارد، چه آنها را به صورت خام بخورد یا پخته و نیز اشکال ندارد که برای علاج و مداوا از سیر استفاده کنند؛ ولی اگر کسی یکی از اینها را خورد، مسجد نرود.»(۱)

۱۳. خلال کردن و مسواک زدن:

امام صادق(علیه السلام) فرمودند: پیامبر- به جعفر بن ابی طالب(علیه السلام) وسیله خلال دادند و فرمودند: ای جعفر! خلال کن؛ زیرا خلال هم برای دهان (یا لثه) خوب است و هم سبب زیاد شدن روزی می گردد.» (۲)

امام صادق(علیه السلام) نیز فرمودند:

۱- «عَنْ أَبِی بَصِیر عَنْ أَبِی عَبْدِاللَّهِ(علیه السلام) قَالَ: سُئِلَ عَنْ أَكْلِ الثُّوم وَ الْبَصَلِ وَ الْكُرَّاثِ فَقَالَ لَا بَأْسَ بِأَكْلِهِ نِیّاً وَ فِی الْقُدُورِ وَ لَا بَأْسَ بِأَنْ یُتَدَاوَی بِالثُّوم وَ لَكِنْ إِذَا أَكَلَ ذَلِكَ أَحَدُكُمْ فَلَا یَخْرُجْ إِلَی الْمَسْجِدِ؛ همان، ج ۱، ص ۳۷۵.

۲- «عَنْ أَبِی عَبْدِاللَّهِ(علیه السلام) قَالَ: نَاوَلَ النَّبِیُّ- جَعْفَرَ بْنَ أَبِی طَالِبٍ(علیه السلام) خِلَالًا فَقَالَ لَهُ: یَا جَعْفَرُ! تَخَلَّلْ فَإِنَّهُ مَصْلَحَةٌ لِلْفَمِ أَوْ قَالَ لِلِّثَهِ وَ مَجْلَبَهٌ لِلرِّزْقِ؛ همان، ج ۶، ص ۳۷۶.

«رَكْعَتَانِ بِالسِّوَاكِ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ رَكْعَةً بِغَيْرِ سِوَاكٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلّی الله علیه و آله) لَوْ لَا أَنْ أَشُقَّ عَلَى أُمَّتِی لَأَمَرْتُهُمْ بِالسِّوَاكِ مَعَ كُلِّ صَلَاةٍ؛(۱) دو رکعت نماز با مسواک بهتر است از هفتاد رکعت نماز بدون مسواک. آنگاه فرمودند: پیامبر خدا(صلّی الله علیه و آله) فرمودند: اگر نبود که بر امت من مشقت داشت، دستور می دادم با هر نمازی یک بار مسواک کنند.»

و آخر دعوینا ان الحمدلله رب العالمین

ص: ۱۱۶

۱- همان، ج ۳، ص ۲۲.

فهرست منابع

۲۱. قرآن کریم.

۲۲. امالی، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق، م ۳۸۱ق)، انتشارات اعلمی، تهران، ۱۴۰۰ق، ص ۲۷۰.

۲۳. بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، محمدباقر مجلسی (۱۰۳۷ – ۱۱۱۰ق)، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ق.

۲۴. تحریر الوسیله، سید روح اللّه موسوی خمینی(قدس سرّه) (م ۱۴۰۹ق)، مؤسسه دار العلم، قم،۱۴۵۲ چاپ اول.

۲۵. ترجمه تحریر الوسیله، علی اسلامی، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۲۵ق.

۲۶. توضیح المسائل، امام خمینی(قدس سرّه)، ۱۴۲۶ق ،چاپ اول.

۲۷. توضیح المسائل محشی ، امام خمینی(قدس سرّه)، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم،

ص: ۱۱۷

۱۴۲۴، ج ۱ ، ص ۷۶.

۲۸. الخرائـج و الجرائح، سـعید بن عبد الله قطب الدین راوندی (م ۵۷۳ق)، مؤسـسه امام مهدی(عجل الله تعالی فرجه الشریف)، ۱۴۰۹ق.

۲۹. دلیل تحریر الوسیله، علی اکبر سیفی مازندرانی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(قدس سرّه)، ۱۴۲۹ق.

۳۰. زبده الاحکام، امام خمینی(قدس سرّه)، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، قم، ۱۴۰۴ق.

۳۱. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی (م ۳۲۹ ق)، دار الکتب الاسلامیه، تهران،چاپ اول.

۳۲. اللمعه الدمشقیه فی فقه الإمامیه، محمد بن مکی عاملی (شهید اول، ۷۸۶ق)، دار التراث - الدار الإسلامیه، چاپ اول.

۳۳. منتهی المطلب فی تحقیق المـذهب، حسن بن یوسف بن مطهر حلی اسدی (م ۷۲۶ ق)، مجمع البحوث الاسلامیّه، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۲۲۴.

۳۴. من لا یحضـره الفقیه، محمد بن علی بن بابویه (شـیخ صدوق، م ۳۸۱ ق)، دفتر انتشارات اسـلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۳ق.

۳۵. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، میرزا حسین محدث نوری (م۱۳۲۰ق)، مؤسسه آل البیت(علیهم السلام)، ۱۴۰۸ق.

۳۶. مجموعه ورام (تنبیه الخواطر)، ورام بن ابی فراس (م ۶۰۵ ق)، مکتبه فقیه،چاپ اول.

۳۷. مکارم الأخلاق، رضی الدین حسن بن فضل طبرسی،

انتشارات شریف رضی، قم، ۱۴۱۲ق.

۳۸. نجاه العباد، امام خمینی(قدس سرّه)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(رحمه الله)، ۱۴۲۲ق.

۳۹. النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، ابو جعفر محمد بن حسن شیخ طوسی (م ۴۶۰ق)، دار الکتب العربی، بیروت، ۱۴۰۰ق.

عناوین دردست اقدام از مجموعه فقه و زندگی

موضوع

احکام فرش وتابلو فرش

مؤلف یوسف یاوری

احکام کیف وکفش چرم

مؤلف محمدابراهیم امینی

احکام احکام پوشاك

مؤلف محمدابراهیم امینی

احکام آژانس تلفنی

مؤلف مجتبی بیتا

احکام ناشران

مؤلف حسینعلی عرب انصاری

احکام اتوبوسرانی ورانندگان

مؤلف محمد رضا یاوری

احکام صوتی تصویری

مؤلف محمود صادقی

احکام نانوایان

مؤلف ابراهیمی فرد

احکام پرندگان وپرنده فروشان

مؤلف مجتبی عابدینی

احکام اینترنت و رایانه

مؤلف محمود صادقی

احکام پارکها

مؤلف سیدمحمود موسوی

احکام عمومی اصناف

مؤلف الیاس صالحی

احکام قهوه خانه ها

مؤلف عرب انصاری

احکام الکتریکی

مؤلف الیاس صالحی

احکام عطاری وداروهای گیاهی

مؤلف داوود طبرسا

احکام بازی یارانه ها

مؤلف محمود صادقی

احکام احکام بیمه ها

مؤلف مرتضی دائی چینی

ص: ۱۲۰

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹